

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۱۸

۱۰ اسفند ۱۳۹۸ / ۲۹ فوریه ۲۰۲۰

حقوق ما

سقط جنین



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده (مقاله)، سروناز رستگار (گزارش‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

سقط جنین، حقوق زنان و جنین

حقوق بشر و حق مالکیت بر بدن

سقط جنین در ایران

حسن فرشتیان: سخت‌گیری در قوانین سقط جنین
برآمده از مردسالاری است، نه فقه

سقط جنین در کشورهای مسلمان؛ از قوانین محدود
کننده تا قوانینی که اجرا نمی‌شوند!

بهبتر شده‌ها در سال‌های گذشته:

بدتر شده‌ها در سال‌های گذشته:

نقش جامعه مدنی فرانسه در تغییر قانون پایان دادن
داوطلبانه به بارداری

سقط جنین، حقوق زنان و جنین



احسان حسین زاده

سقط جنین مساله‌ای بحث‌برانگیز و پر چالش است که زوایای مختلفی از زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد. عواملی چون حقوق زنان، حق حیات جنین، سیاست‌های تولید مثل و همچنین مسئولیت‌پذیری دولت‌ها، باعث می‌شود که مساله سقط جنین به یک موضوع پیچیده تبدیل و رعایت حقوق همه طرف‌های درگیر در آن، دشوار شود. در این مقاله به واکاوی برخی از این مباحث می‌پردازیم.

حقوق زنان و حق بر سلامتی و بهداشت

سلامت جسمی و روانی زنان و همینطور حق زنان بر انتخاب و زندگی شخصی‌شان از مهم‌ترین دلایل لغو قوانین محدودیت سقط جنین در بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. بر اساس وب‌سایت سازمان بهداشت جهانی^۱ هر ساله ۲۵ میلیون سقط جنین در سراسر دنیا انجام می‌شود که ۸ میلیون آن با ریسک بالا و خطر جانی برای زنان باردار صورت می‌گیرد.

برای مثال، سه چهارم سقط‌های جنین در آمریکا و آفریقا به صورت نایمن و غیربهداشتی صورت می‌پذیرد. ۵ تا ۱۳ درصد آمار مرگ و میر مادران به سقط جنین نایمن بازمی‌گردد و حدود ۷ میلیون زن سالانه به دلیل عوارض ناشی از سقط جنین نایمن در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند.

1. <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/preventing-unsafe-abortion>

بنابراین یکی از اصلی‌ترین دلایل حمایت سازمان‌های بهداشتی و نیز سازمان‌های حقوق بشری تاکید بر حمایت از سلامت زنان در سراسر جهان است که به دلیل غیرقانونی اعلام کردن سقط جنین در بسیاری از کشورها، به خطر افتاده است.

اما این حق صرفا ناشی از مسایل بهداشتی نیست و به حق زنان بر توانایی تعیین مسیر زندگی آنها نیز بازمی‌گردد چرا که اصلی‌ترین مسئولیت فرزندآوری بر عهده آنان است و آنها را تا مدتی از زندگی عادی و موقعیت‌های اجتماعی‌شان محروم می‌کند. در همین راستا، استدلال دادگاه عالی آمریکا در یکی از پرونده‌های مهم در مورد سقط جنین قابل توجه است که اشاره می‌کند هنگامی که سلامت مادر به خطر بیفتد، سقط جنین امری قانونی و مجاز است چرا که این سلامت اعم از سلامت جسمی، روانی، احساسی و خانوادگی است و فقدان هر یک از مصادیق سلامت، به زن حق سقط جنین می‌دهد.^۱

جرم انگاری سقط جنین

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد^۲ با در نظر گرفتن حقوق بین‌الملل، از جمله میثاق حقوق مدنی سیاسی، انسان متولد شده را دارای حقوق بشر می‌داند؛ بنابراین حقوق زنان را بر حق انسان متولد نشده ترجیح می‌دهد و از دولت‌ها می‌خواهد به حقوق بین‌الملل احترام بگذارند و جرم‌انگاری سقط جنین را متوقف کنند؛ چرا که زنان حق دارند در مورد زندگی خود تصمیم بگیرند.

جرم‌انگاری سقط جنین می‌تواند تصمیمی اشتباه از سوی نظام قانونی و قضایی یک کشور باشد؛ چرا که زنی که بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی و یا شخصی، علاقه‌ای به ادامه بارداری و تولد جنینش ندارد؛ در شرایط روحی و جسمی بسیار سختی به سر می‌برد و جرم‌انگاری سقط جنین با مجازات‌هایی نظیر زندان، باعث خواهد شد که زن از بیمارستان به زندان منتقل شود^۳. قطعاً این روش مناسبی برای برخورد با یک انسان آسیب‌پذیر نیست. از دیگر سو، بر اساس آمارهای موجود احتمال سقط جنین در زنان طبقه فقیر پنج برابر بیشتر از زنان طبقه متوسط و مرفه است^۴ و همین امر نشان می‌دهد که عدم توزیع مناسب ثروت در کشورهای مختلف و عدم موفقیت دولت در ترویج راهکارهای پیشگیری از بارداری و همینطور عدم حمایت مناسب از زنان باردار و مادران توسط سیستم اقتصادی اجتماعی کشورها، تا چه اندازه در مسئله

1. <http://www.usccb.org/issues-and-action/human-life-and-dignity/abortion/upload/Summary-of-Roe-v-Wade-and-Other-Key-Abortion-Cases.pdf>
2. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1016/S-0968-3-2926218%2805%8080>
3. <https://www.theguardian.com/society/2004/apr/23/health.genderissues>
4. <https://slate.com/human-interest/03/2015/poor-women-have-more-abortion-even-though-middle-class-women-abort-more-of-their-pregnancies.html>

سقط جنین تاثیرگذار بوده است. بنابراین نباید هزینه کم‌کاری دولت‌ها توسط زنان پرداخت شود و سلامت روحی و جسمی آنان توسط دادگستری کشورها به خطر افتد.

تعارض حقوق زن باردار با حق حیات جنین

حقوق مدرن، حق انسان بر بدنش را بطور کامل شناسایی کرده است. شما به عنوان یک انسان می‌توانید هر طور که می‌خواهید با بدن خود رفتار کنید. حقوق مدرن حتی حق بر خودکشی و نیز حق بر خاتمه زندگی برای بیماران را نیز به رسمیت شناخته است. اما در مسئله سقط جنین، مساله وجود یک شخص ثالث و منافع اوست که در برابر حق زن بر بدنش قرار می‌گیرد و به پیچیدگی مساله می‌افزاید.

موضوع این‌جاست که جنینی داخل رحم یک زن شکل گرفته و زن می‌خواهد بنا به دلایلی به زندگی آن جنین خاتمه دهد. بنابراین دو حق باهم تعارض پیدا می‌کند. ۱. حق زن بر بدن خود که آیا می‌خواهد یک جنین را در بدن خود برای ۹ ماه میزبانی کند یا خیر؟ و ۲. حق بر حیات جنینی است که در داخل بدن زن شکل گرفته و قرار است تا ۹ ماه در آنجا بماند و از بدن زن تغذیه کند و به حیات خود ادامه دهد. بر اساس منطق حقوقی که یک منطق عام الشمول است و تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی شناخته شده است؛ اعمال حق نمیتواند وسیله اضرار به غیر باشد. این قاعده برگرفته از حقوق داخلی است که تقریباً قاعده‌ای عام است. بنابراین علم حقوق اجازه نمی‌دهد تا یک شخص به منظور احقاق حقوق خود ضرری به شخص دیگری وارد آورد. برای مثال در مورد قضیه مورد بحث به زن باردار اجازه داده نمی‌شود که برای احقاق حق مالکیت بر بدن خود، جنینی را از بین ببرد. اما مساله زمانی پیچیده می‌شود که بر اساس تعاریف بین‌المللی و همینطور تعریف حقوق ملی برخی کشورها، جنین «شخص» محسوب نمی‌شود.

برای مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر و همینطور کارگروه ویژه سازمان ملل بر روی موضوع تبعیض علیه زنان، اساساً جنین را شخص نمی‌داند و اختصاص حقوق بشر از جمله حق حیات به جنین را موقوف به تولد او می‌شمارد. بنابراین در مقام تعارض بین حقوق زن و حقوق جنین، حق را به زن می‌دهد.^۵

همانطور که اشاره شد، دیدگاه رسمی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر این است که شناسایی حقوق بشر موقوف به تولد یک انسان است و پیش از آن و در مرحله جنینی، مستحق حقوق بشر از قبیل حق حیات نیست. اما این دیدگاه تنها دیدگاه قانونی موجود نیست، بسیاری از حقوق‌دانان به این مساله انتقاد دارند و نظام‌های حقوقی بسیاری هم این دیدگاه را رد می‌کنند و تعلق حقوق

5. <https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WG/WomenAutonomyEqualityReproductiveHealth.pdf>

بشر و حقوق شهروندی را موقوف به تولد انسان نمی‌دانند. برای مثال، کشورهایی نظیر گواتمالا، شیلی، ایرلند، فیلیپین، لهستان، جمهوری دومینیکا، ایالت های کولورادو و میسیسیپی و همچنین ۱۶ ایالت در کشور مکزیک حق شهروندی را پیش از زمان تولد یا از زمان لقاح شناسایی می‌کنند و به این ترتیب حقوقی برابر با زن باردار را برای جنین او نیز مفروض می‌دارند؛ رویه‌ای که حق مطلق زن در سقط جنین را در حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهد.^۱

در آمریکا، قریب پنجاه سال پیش در سال ۱۹۷۳ دادگاه عالی آمریکا در پرونده‌ای^۲ هرگونه محدودیت بر سقط جنین را غیرقانونی خواند و حق زنان در هر زمان و به هر وسیله‌ای را ضرورت تحقق حقوق زنان و خصوصا حق بر حریم خصوصی زنان دانست.^۳

اما موقعیت قانونی سقط جنین همواره و تا به امروز متزلزل بوده است. در سال ۱۹۸۰ و هنگام مبارزات انتخاباتی رونالد ریگان او برای اولین بار و به صورت پرننگی به «حقوق متولد نشده» اشاره کرد و گفت ما در قانونی کردن سقط جنین حقوق یک شخص را فراموش کرده‌ایم و او همان جنین است که متولد نشده و سقط می‌شود. این چالش تا به امروز بین طرفداران حقوق زنان و طرفداران سیاست آزادسازی^۴ و طرفداران زندگی^۵ و حق حیات ادامه دارد؛

تا جایی که در سال ۲۰۱۳ یکی از سناتورهای آمریکایی طرحی را به تصویب رساند که جنین را از زمان لقاح دارای حقوق مطابق قانون اساسی می‌داند یا دونالد ترامپ در لایحه مالیات دسامبر سال گذشته اظهار داشت قانون اساسی امریکا سقط جنین را شایسته دریافت بودجه عمومی نمی‌داند و باید از جنین متولد نشده حمایت کرد. این مساله همراه است با جرم‌انگاری آسیب به جنین در ۳۸ ایالت آمریکا^۶. هرچند هنوز حق سقط جنین در آمریکا قانونی است اما با چالش بسیاری از جانب طرفداران حق حیات مواجه است.

رویکرد حقوق کشورها نسبت به مساله سقط جنین

رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف را در مورد سقط جنین، می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد^۷. دسته اول، سقط جنین را سریعا و صرفا با درخواست مادر صادر می‌کنند اما برای سقط جنین محدودیت مدت قایل‌اند و بعد از گذشتن معمولا سه ماه از عمر جنین، اجازه سقط آن را صادر نمی‌کنند؛ برای مثال در فرانسه تنها تا قبل از ۱۴ هفته‌گی و در نروژ تا قبل از ۱۲ هفته‌گی امکان سقط قانونی جنین وجود دارد و بعد از آن امکان‌پذیر نیست. این گروه از کشورها، آزادی

- https://www.reproductiverights.org/sites/crr.civicactions.net/files/documents/RTL_2012%2014%3pdf
- Roe V. Wade
- <https://www.britannica.com/event/Roe-v-Wade>
- Liberalization
- Pro-life
- <https://www.nytimes.com/interactive/28/12/2018/opinion/abortion-pregnancy-pro-life.html>
- [https://reproductiverights.org/worldabortionlaws?category\[296\]=296](https://reproductiverights.org/worldabortionlaws?category[296]=296)



زن را در اولویت قرار می‌دهند و اساسا حقی را برای جنین البته تا قبل از سه ماهگی قایل نیستند. عمدتا کشورهای توسعه‌یافته این روش را در اثر مبارزات فمینیستی برگزیده‌اند و اجرا می‌کنند.

کشورهای دسته دوم، سقط جنین را به شرطی مجاز میدانند که دلایل اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد. برای مثال کشورهای فنلاند، هند، ژاپن و بریتانیا در این دسته‌اند و تنها تحت شرایطی نظیر نقص عضو جنین (دلیل اقتصادی) یا جنین حاصل از تجاوز جنسی (دلیل اجتماعی) اجازه سقط جنین را صادر می‌کنند.

دسته سوم، کشورهایی هستند که تنها در صورت به خطر افتادن بهداشت، سقط جنین را تجویز می‌کنند.

دسته آخر، کشورهایی هستند که به هیچ عنوان اجازه سقط جنین را صادر نمی‌کنند.

سقط جنین در قوانین ایران

در حقوق ایران که منبعث از احکام اسلامی است، سقط جنین علی‌الاصول امری غیر قانونی به شمار می‌رود و قانون آن را تجویز نمی‌کند. در حقوق ایران حق حیات جنین بطور کامل شناسایی شده است. بنابراین اگر شخصی غیر از مادر جنایتی بر جنین وارد آورد دیه یا قصاص شامل او خواهد شد. این شخص می‌تواند پزشک، ماما یا یک شخص عادی باشد^۸. اما در مورد سقط جنین توسط مادر اوضاع متفاوت است و اگر مادری جنین خودش را سقط کند او نه قصاص می‌شود و نه زندان یا سایر مجازات‌ها شامل او می‌شود

- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92683>

اما او مجبور به پرداخت دیه به پدر جنین، یعنی همسر خود است^۱ که این حق خصوصی (نه مجازات کیفری) می‌تواند توسط همسر بخشیده شود.

در حقوق ایران، سقط جنین به صورت قانونی تنها در دو صورت امکان‌پذیر است. بر اساس قانون سقط درمانی^۲ در صورتی که جنین عقب مانده یا ناقص الخلقه باشد و یا ادامه حمل جنین برای سلامت مادر خطرناک باشد تا قبل از چهار ماهگی امکان سقط قانونی با نظر سه پزشک و بدون پرداخت دیه وجود دارد.

دوراهی حقوق زنان و جنین

حق حیات جنین حقی است که تقریبا اغلب حقوقدانان و نظام‌های حقوقی آن را شناسایی کرده‌اند و این حقیقت از جرم‌انگاری آسیب به جنین توسط شخصی غیر از مادر قابل استنباط است. اما وقتی آسیب زدن به جنین توسط خود مادر یعنی سقط جنین مطرح می‌شود، حقوق زنان و حق آنان بر سلامت جسمی و روانی خود و نیز حق آنان بر تصمیم‌گیری در مورد زندگی شخصی شان در این بحث دخیل می‌شود که مسئله بسیار مهم و حقیقتی غیرقابل انکار است. بنابراین آنچه شاهدش هستیم رویکرد دوگانه و مرد نظام‌های حقوقی نسبت به مساله سقط جنین است. از طرفی حق حیات جنین توسط حقوق بین‌الملل شناسایی نشده است و از سوی دیگر، حق حیات جنین در بسیاری از نظام‌های حقوقی که

- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/845048>
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97756>

در بالا به آنها اشاره شد مورد شناسایی قرار گرفته است.

مع الاسف، شناسایی حق حیات برای جنین مساوی با اعمال محدودیت در حق زنان برای دسترسی به سقط جنین قانونی و بهداشتی است و این یعنی محرومیت درصد بزرگی از زنان به بهداشت و سلامت. برای مثال، در کشور اروپایی فرانسه که سقط جنین قانونی است، ۳۳٪ از زنان حداقل یک بار سقط جنین کرده‌اند، ۱۰٪ حداقل دو بار تجربه سقط داشته‌اند و ۴٪ سه بار یا بیشتر سقط انجام داده‌اند. اما در مقابل، در ایران که سقط جنین غیرقانونی است مگر در موارد استثنایی، سالانه بین ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار جنین سقط می‌شود^۳ و شناسایی حق حیات پیش از تولد برابر است با غیرقانونی اعلام شدن سقط جنین که نتیجتا آمار سقط جنین غیر بهداشتی که سلامت زنان را به خطر می‌اندازد افزایش می‌یابد.

بنابراین همانطور که عنوان شد نظام حقوقی اغلب کشورها از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه در تزامم حق حیات جنین و حق آزادی زن و نیز سلامت او، مورد دوم را البته با قید شرطی (نگذشتن زمانی برابر با سه ماه از عمر جنین) پذیرفته است که البته سیاست‌های کاهش جمعیتی نیز در اتخاذ چنین رویکردی بی‌تاثیر نبوده است.^۴

همینطور عدم مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال مسئله سقط جنین نیز بسیار قابل توجه است. عموم زنانی که سقط جنین را انتخاب می‌کنند اگر شرایط اقتصادی اجتماعی مناسبی داشتند شاید انتخابشان چیز دیگری بود یا اساسا دولت‌ها می‌توانستند با قبول مسئولیت نگهداری و پرورش چنین کودکانی از مرگ آنها و سقط جنین جلوگیری کنند و حیات یک انسان بالقوه را حفظ کنند؛ همانطور که قبل از قانونی‌شدن سقط جنین در امریکا ۱۰٪ زنانی که می‌خواستند سقط جنین کنند، به فرزندخواندگی سپردن و حفظ جنین را انتخاب می‌کردند. بعد از آزاد شدن سقط جنین این تعداد به زیر ۱٪ رسیده است^۵. البته که حفظ جنین و سپردن آن به دولت بعد از ۹ ماه انتخاب بسیاری از زنان نیست و دولت‌ها هم به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری و نیز جلوگیری از رشد جمعیت علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه از سیاست‌های جایگزین سقط جنین استقبال نمی‌کنند اما اگر حقوق بشر در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و در راستای منطق حقوقی پیشرفت کند و به سمتی برود که حق حیات پیش از تولد را شناسایی کند و بتواند راه حل میانه‌ای برای رعایت هر دو حق حیات و حقوق زنان بیابد، قطعاً مسیری بهتر نمایان خواهد شد؛ مسیری که در آن هم حقوق و سلامت زنان حفظ خواهد شد و هم حق حیات جنین.

- <https://www.alef.ir/news/3980523153.html>

- <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/3709011>

- <https://www.theatlantic.com/health/archive/05/2019/why-more-women-dont-choose-adoption/589759/>

حقوق بشر و حق مالکیت بر بدن

واقعیت اینجاست که کمتر فیلسوف و حقوقدانی که وارد بحث سقط جنین می‌شود، حال دختر جوانی را که بر روی تخت دکتر و ماما یا قابله غیرقانونی دراز کشیده و خیره به سقف در انتظار پایان درد است، درک می‌کند.

این که چه چالش‌ها و مسائلی زن را به آنجا رسیده که گاهی تن به غیر اصولی‌ترین شیوه‌های سقط جنین می‌دهد، معمولاً در میانه بحث‌ها جایی ندارد. به همین خاطر، علی‌رغم این که قرن‌هاست سقط جنین در جهان زنانه، به رسمیت شناخته شده و زنان همواره راهی برای تسلط بر بدن و سرنوشت خود یافته‌اند اما هنوز حاکمان و قانون‌گذاران بحث‌هایی بی‌پایان و گاه بی‌نتیجه را در مورد آن ادامه می‌دهند. اما به راستی، حق با کدام است؟ جنینی که حیاتش به حیات زنی وابسته است که حامل اوست؟ یا زنی که مسئولیت زنده نگه داشتن جنین بر عهده او گذاشته شده است؟

در سال ۱۹۴۵ اجبار به «ترویج احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مردم بدون تبعیض نژادی، جنسیت، زبان، یا دین» به منشور ملل متحد اضافه شد.

سه سال بعد سازمان ملل اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عنوان اولین سند حقوقی بین‌المللی برای تعیین حقوق بشر به رسمیت شناخت اما در این سند همچنان هیچ اشاره‌ای به حقوق باروری نشده بود. حقوق باروری برای اولین بار در بیانیه تهران^۱ ۱۹۶۸ به عنوان زیرمجموعه حقوق بشر مورد

1. <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-tehran.htm>

با وجود تمام تلاش‌های

فمنیست‌ها و فعالان حقوق

بشر، تاکنون قوانین بین‌المللی

به صراحت در مورد حق زن در

پایان دادن داوطلبانه به بارداری

خود اظهار نظر نکرده‌اند.

توجه قرار گرفت.

براساس ماده ۱۵ این بیانیه غیر الزام‌آور «تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف جهان قربانی آنند باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است و اعمال کامل مفاد اعلامیه راجع به محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از الزامات حتمی پیشرفت انسان است.»

ماده ۱۶ هم صراحت دارد: «امر حمایت خانواده و کودک، همچنان توجه جامعه بین‌المللی را به خود معطوف داشته است. والدین دارای حق اساسی بشری در زمینه تصمیم‌گیری آزادانه و همراه با درک مسئولیت در مورد تعداد و فاصله سنی فرزندان خویش‌اند.»

کنفرانس بین‌المللی زنان در سال ۱۹۷۵ تنها بر اعلامیه تهران تاکید کرد. اما در سال ۱۹۹۵ و کنفرانس پکن بود که تعریف جامع‌تری از حقوق باروری ارائه شد. براساس این بیانیه حقوق بشر، زنان شامل حق اداره و تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در کلیه امور جنسی مرتبط با آنها، از جمله بهداشت جنسی و باروری به دور از هرگونه جبر، تبعیض، خشونت‌اند. عدالت در روابط میان زن و مرد در زمینه‌های جنسی و باروری، شامل احترام کامل به تمامیت شخصی، نیاز به احترام متقابل، رضایت از رفتار جنسی و تقسیم مسئولیت و عواقب آن است.^۱ با وجود همه تلاش‌های فمنیست‌ها و فعالان حقوق بشر تاکنون هیچ یک از قوانین بین‌المللی به صراحت در مورد حق زن در پایان دادن داوطلبانه به بارداری خود اظهار نظر نکرده‌اند. حتی تا زمانی که سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ در نیویورک، اهداف توسعه هزاره را با هدف کاهش فقر و پیشرفت توسعه جهانی مطرح کرد، حقوق باروری و جنسی به‌عنوان یک هدف مطرح نبود. برای نخستین بار، در پنجاه و هفتمین گردهمایی بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۴ بر اهمیت سلامت باروری و جنسی و حقوق مرتبط به آن، به‌عنوان یک نیاز و استراتژی برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره، تاکید شد.

بدین ترتیب، همچنان مهم‌ترین سندی که در آن سلامت باروری در زمره حقوق بشر قلمداد شد، سند نهایی کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه^۲ سال ۱۹۹۴ در قاهره است. در این سند، ۱۸۰ کشور شرکت‌کننده در این کنفرانس هدف خود را دسترسی همگانی به اطلاعات و خدمات بهداشت باروری تا سال ۲۰۱۵ میلادی اعلام کردند که به‌طور مشخص شامل موارد زیر بود.

۱- حق زندگی: (زندگی هیچ زنی نباید به واسطه حاملگی یا موارد مرتبط با باروری وی، در معرض خطر قرار گیرد)
۲- حق آزادی و امنیت فردی: (هیچ زنی نباید به زور تحت عمل جراحی ختنه زنان، عقیم‌سازی، سقط و سایر موارد تهدیدکننده مشابه قرار بگیرد)

۳- حق برخورداری از عدالت و رهایی از هرگونه تبعیض: (تمام آحاد بشر مساوی‌اند. خدمات بهداشت باروری باید بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت، رنگ، سطح درآمد، جنس، وضعیت تاهل، وضعیت جسمانی، سن، زبان، مذهب و اعتقادات سیاسی برای همه، به‌طور یکسان ارائه شوند)

۴- حق رازداری: (تمامی خدمات بهداشتی-درمانی باید به

1. <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-beijing.htm>

2. <https://www.unfpa.org/icpd>

صورت محرمانه ارائه شوند و تمام زنان حق تصمیم‌گیری مستقل را در مسائل بهداشت باروری خود داشته باشند)

۵- حق آزادی اندیشه: (عقاید و رسوم نباید ابزاری برای محدود کردن آزادی اندیشه در مسائل بهداشت باروری تلقی شوند)

۶- حق دسترسی به امکانات و آموزش: (همه باید دسترسی کامل به اطلاعات و آموزش‌ها در مورد مزایا، معایب، خطرات و اثربخشی تمام روش‌های پیشگیری از بارداری داشته باشند تا بتوانند بر اساس آگاهی کامل تصمیم بگیرند)

۷- حق تصمیم‌گیری فردی درباره ازدواج و تشکیل خانواده: (هر کس حق دارد درباره زمان ازدواج خود و تشکیل خانواده‌اش، خود تصمیم بگیرد و هیچ‌کس حق ندارد ازدواج را بر کسی -به‌ویژه جوانان- تحمیل کند)

۸- حق تصمیم‌گیری فردی درباره تعداد و زمان تولد فرزندان: (هر کس حق دارد درباره تعداد و زمان تولد فرزندان خود تصمیم بگیرد؛ و باید امکانات رفع ناباروری برای زوجینی که مایل به داشتن فرزند هستند، فراهم شود)

۹- حق دسترسی به خدمات و برخورداری از بالاترین کیفیت خدمات: (هیچ مانعی برای ارائه خدمات به متقاضیان نباید وجود داشته باشد و بایست برای همه اقشار جامعه -از جمله جوانان- با هر نوع تقاضای قانونی، خدمات در دسترس باشند)
۱۰- حق بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی: (مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشتی درمانی باید بتوانند از جدیدترین روش‌های موجود که مؤثر و بی‌خطر هستند، استفاده کنند)

۱۱- حق آزادی در اجتماعات و مشارکت‌های اجتماعی: (هر کس حق دارد با شرکت در اجتماعات و عضویت در گروه‌ها، از مجامع دولتی و غیردولتی بخواهد که حقوق و بهداشت باروری را در اولویت فعالیت‌های خود قرار دهند)

۱۲- حق رهایی از شکنجه و آزار: (حق هر زن و مرد و جوان است که از خشونت، شکنجه و آزار جنسی در امان باشد) (معاونت سلامت، ۱۳۸۲)

به رغم تلاش‌هایی که تاکنون برای روشن شدن وضعیت حق زنان بر بارداری خود صورت گرفته، منتقدانی از جمله **اندرو فاگان**^۳، معتقدند حق انتخاب زنان برای ادامه بارداری، همچنان در سراسر جهان در معرض کشمکش‌های سیاسی و اخلاقی قرار دارد. به نوشته آقای فاگان، هیچ‌کدام از اسناد حقوق بشر به زنان حقی برای سقط جنین یا حتی دسترسی به انواع موثر پیشگیری از بارداری را نمی‌دهد،

3. <https://www.essex.ac.uk/people/fagan43608/andrew-fagan>



و قوانین منع کننده سقط جنین الزاما مغایر با قوانین حقوق بشری انگاشته نمی‌شود.

این استاد حقوق بشر، در [کتاب اطلس حقوق بشر](#)^۱ آورده است: «حقوق بشر به شدت بر آرمان آزادی فردی تکیه دارد. پس می‌شود بحث قانع کننده‌ای در این باره شکل بگیرد که: بهره‌گیری از آزادی زنان باید به موضوعی با اهمیت "حق باردارشدن و حق سقط جنین" گسترش پیدا کند و از نظر بسیاری عدم وجود حقوقی روشن در این زمینه، به عنوان یک محدودیت غیرضروری بر آن آزادی تلقی می‌شود.»

حسین رئیسی، حقوقدان ساکن کانادا اما [معتقد است](#)^۲ «حتی پذیرش این اصل بلامنازع که انسان از حق آزادی و امنیت شخصی برخوردار است، او را قادر می‌سازد تا از یک طرف از باردگی، تبعیضات ناروا، شکنجه و مجازات‌های

1. http://www.human-rights-iran.org/doc_files/fa/hr_atlas.pdf
2. <https://www.tribunezamani.com/archives/118689>



برگردان: امید کوبی و مهدی خدایی

غیر انسانی مصون بماند و از طرفی دیگر به او این امکان را خواهد داد تا بر سرنوشت خود تسلط کامل داشته باشد. بدون استیلاي شخص بر تمامیت جسمانی و روانی خود حق بر آزادی و امنیت شخصی او تامین نخواهد گشت.»
آقای رئیسی از جمله مصادیق حق مالکیت یا حق استیلاي فردی بر تمامیت جسمانی خود به موارد زیر اشاره می‌کند: «حق اتخاذ تصمیم درباره‌ی بدن و سلامتی خود. حق داشتن کنترل بر زندگی جنسی خود؛ بدون ترس و نگرانی از مجرم واقع شدن. حق بر انتخاب همسر یا شریک جنسی؛ تمایل یا عدم تمایل به داشتن فرزند. حق بهره‌مندی از بهداشت؛ امنیت و آموزش‌های لازم برای تضمین این حق.

حق بر انتخاب داشتن یا نداشتن فرزند.

و بالاخره حق برخورداری از امکان سقط جنین و در محیطی بهداشتی بدون ترس و نگرانی.»
یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح شده در مورد سقط جنین، موضوع بارداری بر اثر تجاوز به عنف است. محمد راسخ، استاد حقوق در تهران، در پاسخ به این سوال که طرفداران تئوری تقدس حیات در مورد بارداری‌های ناخواسته، مانند بارداری ناشی از تجاوز به عنف، چه پاسخ و راه حلی ارائه می‌کنند؟ [نوشته است](#): «بر پایه یک تفسیر از این تئوری، در این موارد لازم است به این نوع بارداران تا زمان وضع حمل کمک شود. پس از آن در صورتی که آنان نخواهند نوزاد را نزد خود نگه دارند، می‌توانند به سادگی وی را برای فرزند خواندگی توسط دیگران رها کنند. به علاوه، این یک موقعیت خوب برای فرد و جامعه است تا به امر خیر و کمک به هم‌نوع بپردازد. در حقیقت، موارد مذکور زمینه اخلاقی زیستن و انجام عمل خیر را برای دیگران فراهم می‌آورد. از طرفی، تفسیر دیگری از این تئوری در برخی موارد مانند بارداری ناشی از تجاوز به عنف، استثنائاً سقط جنین را جایز می‌داند. یکی به این دلیل که از دید دینی تجاوز به عنف از مصادیق گناهان بزرگ، نقض قوانین الهی و توهین به قدرت خالق خداوندی است و به این دلیل می‌توان حکم به جواز از بین بردن نطفه حاصل از تجاوز را داد. دلیل دیگر این که تجاوز به عنف و بارداری برآمده از آن، موجب نابودی سرمایه وجودی قربانی این تجاوز می‌گردد و از این رو، می‌توان استثنائاً سقط جنین را در این مورد روا دانست.^۱»

اما استدلال عمده مخالفان آزادی سقط جنین، نه نفی حق تصمیم‌گیری زن بر بدنش بلکه همان توجه به حقوق بشر جنین با تاکید بر «بشر» خواندن او از بدو شکل‌گیری است. نخستین سند بین‌المللی که مخالفان به آن اشاره می‌کنند، ماده ۵۵ منشور ملل متحد است که براساس آن، اعضای سازمان ملل متحد متعهدند سطح احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین همه (انسان‌ها) را بدون هیچ تبعیضی از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، ارتقاء دهند. مخالفان پس از آن، بحث زمانی را مطرح می‌کنند که از آن لحظه جنین به عنوان انسان به رسمیت شناخته می‌شود.

امیرحسین مهرگان، حقوقدان در تهران، [می‌نویسد](#)^۲: «براساس اعلامیه جهانی، تمامی اعضای خانواده بشری دارای شخصیت انسانی تلقی شده‌اند. این معنا از آن وجه

1. <http://www.jri.ir/documents/fullpaper/fa/127.pdf>
2. <http://www.jri.ir/documents/fullpaper/fa/206.pdf>



مورد توجه قرار گرفت که بسیاری از طرفداران سقط جنین عمل مذکور را از این جهت مشروع می‌دانند که جنین را فاقد شخصیت انسانی تلقی می‌کنند و ما برآنیم که قائل شدن به تمایز میان ابناء بشر براساس فقدان شخصیت، نه تنها فاقد توجیه علمی است، بلکه قضایای است خطرناک که می‌تواند حقوق بشر را به شکل منفی متأثر سازد؛ زیرا تقریباً در تمامی موارد نقض فاحش حقوق بشر، انگیزه یا توجیه اصلی ارتکاب اعمال ناقض حقوق بشر، تصور فقدان شخصیت انسانی در قربانیان این جرم بین‌المللی بوده است. در این خصوص کافی است نگاهی گذرا به تاریخ برده‌داری، موارد نسل‌کشی و ... بیافکنیم.»

مهرانگیز کار، حقوقدان در آمریکا، این استدلال را نه استدلالی حقوقی که استدلالی برآمده از مذهب می‌داند و به «حقوق ما» می‌گوید: «اسلام و کلیسای کاتولیک بیشترین حساسیت را در مورد سقط جنین دارند و می‌گویند که این یک حیات انسانی است که اگر هر کسی آن را عمدا قطع کند، اعم از این که مادر باشد یا کسی دیگر، مسئولیت دارد و نفس انسانی را از بین برده است.»

به گفته مهرانگیز کار: «این نقص قوانین بین‌المللی حقوق بشری است که تاکنون به صراحت در این زمینه اظهارنظر نکرده‌اند و دست حاکمان را برای قانون‌گذاری نه براساس حقوق بشر که بر اساس ادیان و مذاهب باز گذاشته‌اند.»

سقط جنین در ایران

بارداری بی‌تا^۱، دختری جوان ساکن تهران، به گفته خودش، مثل فیلم‌ها و سریال‌هایی که دیده بود، «خیلی کلیشه‌ای» برایش معلوم شد: «صبح یک روز فروردین، سه ماه به بیست و سه سالگی‌ام مانده بود که چهار بار در کم‌تر از سه ساعت مجبور شدم بابت تهوع سمت دستشویی بروم و بالا بیاورم.» بی‌تا حالا ۲۷ ساله است. او باقی جریان‌ات آن روز فروردینی سال ۸۸ را این‌طور شرح می‌دهد: «عصر که جواب مثبت آزمایش را گرفتم آنقدر شوکه شده بودم که فقط می‌خندیدم، به دوست پسرم زنگ زدم. تنها جمله‌ای که او گفت این بود که «زود تمام‌اش کن.»»

بی‌تا به یاری یکی از دوستان‌اش به جستجوی راهی برای «زود تمام کردن» می‌گردد و آن را پیدا می‌کند: «فردایش بود که جستجوی دکتر که از شب قبل شروع شده بود جواب داد و دوستی شماره و آدرس یک ماما را به ما داد. ساعت پنج رفتیم مطبش و برای ساعت ۹ شب وقت داد. شب که به آدرس رسیدیم، فکر می‌کردم باید مطب دومش باشد، اما تازه فهمیدم که توی خانه‌اش سقط را انجام می‌دهد.» بی‌تا مشکل مالی ندارد.

سقط جنین با «ساکشن» در اتاق خواب ماما انجام می‌گیرد، در حالی که «دختر و پسر ماما توی هال تلویزیون تماشا می‌کردند» و آنقدر امکانات کم بود که پاسخ افت فشار او شکلاتی بود که دوستش همراه داشت و به او داد.

اما آنگونه که مهرانگیز کار، حقوقدان ساکن آمریکا می‌گوید همیشه این امکانات در اختیار زنان نبوده است: «زنان

1. <https://bit.ly/2xRI7z4>

آمار رسمی پزشکی قانونی

ایران نشان می‌دهد که آمار

مراجعان برای پایان دادن

داوطلبانه به بارداری، از

حدود سه‌هزار مورد در سال

۱۳۸۵ به حدود ۱۰ هزار

مورد در سال ۱۳۹۴ رسیده

است.

قرن‌هاست که اختیار بر بدن خود را به رسمیت می‌شناسند و از ابزارهای مختلف برای خاتمه دادن به بارداری خود استفاده می‌کنند. در این میان فرق زیادی میان زنان سنتی، مذهبی یا مدرن وجود ندارد، تنها تفاوت شیوه‌ای که آنها برای سقط جنین خود انتخاب می‌کنند.»

مهرانگیز کار به خاطر می‌آورد که در محافل زنانه مادرش صحبت از استفاده از سرکه برای آنچه «انداختن بچه» نامیده می‌شد به گوشش خورده است. عطاری‌ها هم همواره دم‌نوشی

برای حل این مشکل در بساط داشته‌اند؛ شیوه‌هایی که گاهی آسیب‌های جدی به بدن زنان وارد می‌کرد. گاهی هم کار به ماما یا قابله می‌رسید که در آن موارد نیز آسیب‌های جدی به بدن زن وارد می‌شد.

در قوانین جزایی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی تعریفی از سقط جنین ارائه نشده است. اما با توجه به مواد قانونی می‌توان آن را چنین **تعریف کرد**^۱: «سقط جنین از نظر حقوقی به انجام هرگونه عمل مجرمانه‌ای که موجب وقفه در سیر طبیعی بارداری و از بین رفتن قابلیت حیات جنین در بیرون یا داخل رحم بشود، اطلاق می‌گردد.»

به گفته **مریم بنی‌نجار**^۲، حقوقدان ساکن تهران سقط جنین به سه شکل «جنایی»، «درمانی» و «خود به خودی» شناخته می‌شود. سقط جنایی، همان نوع از سقط جنین است که در قوانین ایران به عنوان سقط غیرقانونی شناخته شده و معمولاً در مراکز غیرمجاز و به صورت زیرزمینی انجام می‌شود. سقط درمانی، نوعی از سقط جنین است که به موجب قانون و با رعایت شرایط و ضوابط مقرر از سوی قانونگذار، مجاز شناخته می‌شود و سقط خودبه خودی نیز، معمولاً ناشی از نوعی اختلال جسمی و نهایتاً ناتوانی مادر برای نگهداری جنین در رحم خود است که در واقع بدون دخالت پزشک یا خود مادر یا به عبارت ساده‌تر، بدون هیچ اراده و اختیاری رخ می‌دهد.

سقط جنین در قوانین ایران

در قوانین ایران برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ موضوع سقط جنین مطرح شد. براساس **قانون مجازات عمومی**^۳ مصوب سال ۱۳۰۴ پایان دادن داوطلبانه به بارداری که در قوانین آن زمان سقط حمل خوانده می‌شد، جرم محسوب می‌شد.

ماده ۱۸۰ - هر کس به واسطه ضرب یا هر نوع اذیتی عمداً موجب سقط حمل زنی گردد به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۸۱ - هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسائل دیگری موجب سقط حمل زنی گردد جزای او از یک تا سه سال حبس تادیبی است و اگر زن حامله را دلالت به استعمال وسائل مذکوره نماید جزای او از سه تا شش ماه حبس تادیبی خواهد بود.

ماده ۱۸۲ - زنی که عالماً بدون اجازه طبیب راضی به خوردن

سایت فرادید 1. <https://bit.ly/3a5k78R>

سایت تابناک 2. <https://bit.ly/39fCLd7>

3. <https://bit.ly/2U8iotH>

ادویه یا ماکولات یا مشروبات یا استعمال وسائل مذکوره شده یا تمکین از استعمال آن وسائل کرده و واسطه حمل خود را ساقط کرده باشد مجازات او از یک تا سه سال حبس تادیبی است و اگر این اقدام زن در نتیجه امر شوهر خود باشد زن از مجازات معاف و شوهر به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. ماده ۱۸۳ - طبیب یا قابله یا جراح یا دوافروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا قابلگی یا جراحی و یا دوافروشی وسائل سقط حمل را فراهم آورند از سه تا ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم خواهند شد مگر این که ثابت شود که این اقدام طبیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر می‌باشد.

این قانون تا سال ۵۷ و انقلاب اسلامی جاری بود.

پس از انقلاب، نخستین بار در سال ۱۳۷۶، با فتوای علی خامنه‌ای برای موارد تشخیص **تالاسمی ماژور**^۴ در جنین اجازه سقط جنین صادر شد. در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۳ از بین هزار و ۱۰۰ مورد مجوز سقط جنین درمانی صادره در این مدت، مهمترین ناهنجاری و بیماری در جنین «آنسفال و تالاسمی ماژور» بوده است.

پس از آن در سال ۱۳۸۱ فهرست موارد مجاز سقط جنین مشخص شد و در نهایت در سال ۱۳۸۴ **ماده واحده سقط جنین** به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در حال حاضر این قانون در سراسر کشور اجرا می‌شود.

ماده واحده - سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به موضوع سقط جنین با جزئیات بیشتری توجه شد. در **ماده ۳۰۶**^۵ این قانون، قانون‌گذار اگرچه برای سقط جنین حتی پس از دمیده شدن روح در آن، قصاص را در نظر نگرفته اما دیه و مجازات تعزیری را پیش‌بینی و مقرر کرده است: «جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

4. magiran.com/article/1057774

5. <https://www.ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/103202/125190/F-2020626636/penal%20code.pdf>

پنج سال محکوم خواهد شد. به عبارتی حداقل مجازات برای دسته دوم دو سال است.»

دیه جنین^۱

در فصل هفتم قانون مجازات اسلامی در بررسی دیه جنین، به جزئیات هم توجه شده است.

براساس ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی دیه سقط جنین به ترتیب ذیل است:

الف- نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دوصدم دیه کامل

ب- علقه که در آن جنین به صورت خون بسته در می‌آید، چهارصدم دیه کامل

پ- مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی در می‌آید، شش‌صدم دیه کامل

ت- عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است، هشت‌صدم دیه کامل

ث- جنینی که گوشت و استخوانبندی آن تمام شده، ولی روح در آن دمیده نشده است یک دهم دیه کامل

ج- دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه چهارم دیه کامل

ماده ۷۱۷ قانون تاکید دارد که هرگاه در اثر جنایت وارد بر مادر، جنین از بین برود، علاوه بر دیه یا ارش جنایت بر مادر، دیه جنین نیز در هر مراحل از رشد که باشد پرداخت می‌شود. براساس ماده ۷۱۸، هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله‌ای که باشد، به عمد، شبه عمد یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود.

درتبره این ماده آمده است که هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.

مریم بنی‌نجار در تعریف عاقله می‌گوید: «عاقله عبارت از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است؛ به‌طوری که همه کسانی که حین‌الفوت می‌توانند ارث ببرند، به طور مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود.» به این ترتیب قانون‌گذار مادر را از پرداخت دیه نیز معاف کرده است.

با این همه، مهرانگیز کار معتقد است که قانون مجازات اسلامی پس از انقلاب، مسئولیت مرد را که براساس قانون رئیس خانواده قلمداد می‌شود نادیده گرفته است: «در قانون

1. http://www.lankarani.com/far/library/view.php?action=view&id_book=197&page=120

باسمه تعالی		باسمه تعالی	
تاریخ	شماره	تاریخ	شماره
پیوست	پیوست	پیوست	پیوست
فهرست		فهرست	
ردیف	فهرست	ردیف	فهرست
۱	استئوزنریس ایمپرکتا مادرزادی Osteogenesis imperfecta Congenital	۱۶	انانسفالی Anencephaly
۲	دیسپلازی استخوانی - غضروفی کشنده یا استیپل ایی فیزیال Osteochondrodysplasia	۱۷	هیدروپس فتالیس با هر مکانیسم Foetal hydrops with any etiology
۳	بیماری استئوپتروزیس انفانتیل (فرم بدخیم) Osteopetrosis infantile (Malignant Form)	۱۸	سندرم قریاد گربه Cat's cry syndrome
۴	آزنری دو طرفه کلیه Bilateral renal agenesis	۱۹	هولوپروزنسفالی Holoprosencephaly
۵	کلیه پلی سیستیک نوع منسوب Polycystic kidney	۲۰	سیرنگومیلیا Syringomyelia
۶	دیسپلازی مولتی سیستیک کلیه Multicystic dysplastic kidneys	۲۱	کراتیوشی سیس Cranioschisis
۷	سندرم پوتر Potter's syndrome	۲۲	مننگوآنسفالوسل، مننگوهیدروآنسفالوسل (Meningoencephalocele)
۸	سندرم نفروتیک مادرزادی به شرط ایجاد هیدروپس Congenital nephrotic syndrome & Hydrops	۲۳	دیسپلازی تاناتوفوریک یا کوتولگی کشنده نوزادی Thanatophoric dysplasia
۹	اختلال کروموزومی که موجب ضایعات پیشرفته و به ویژه گرفتاری مغز و کلیه گردد (مانند سندرم واکتزل) (VACTERL syndrome)	۲۴	سیکلوپیا همراه با هولوپروزنسفالی Cyclopia with holoprosencephaly
۱۰	هیدرونفروز شدید دو طرفه کلیه ها Severe bilateral hydronephrosis	۲۵	ایکتیوزیس مادرزادی Ichthyosis congenital neonatorum
۱۱	آلفا تالاسمی (به شکل هیدروپس فتالیس) alpha thalassaemia and foetal hydrops	۲۶	شیزنسفالی Schizencephaly
۱۲	اختلال ترومبوتیک مثل کمبود پروتئین C (هموزیگوت) و فاکتور ۵ لیدن (هموزیگوت) thrombotic disorders	۲۷	اگزانسفالی Exencephalia
۱۳	تربزومی ۱۳ Trisomy	۲۸	تالاسمی مازور
۱۴	تربزومی ۱۸		
۱۵	تربزومی ۱۶/۱۸/۲۰		

به گفته وی، در این حالت مرتکب عملاً در سقط جنین مباشرت نداشته، بلکه صرفاً با دلالت مادر به خوردن دارو یا به کار بردن سایر وسایل سقط جنین، وی را در ارتکاب جرم مساعدت می‌کند.

زینب اصغری در مورد مباشر جرم می‌گوید: «حال اگر همین فرد به زن حامله، عملاً در سقط مباشرت داشته باشد و به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن شود به مجازات حبس از ۶ ماه تا یک سال و پرداخت دیه محکوم می‌شود. اما اگر فاعل، پزشک، ماما یا فروشنده دارو یا مشاغل مشابه باشد، علاوه بر پرداخت دیه، به حبس از دو تا

که مادر را در سقط جنین راهنمایی می‌کنند، می‌گوید: «باید افراد را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول افراد عادی و دسته دوم شاغلین به مشاغل پزشکی و مامایی و مشاغل مشابه. در قوانین ما برای دسته دوم مجازات سنگین‌تری پیش‌بینی شده است، چرا که این دسته به واسطه شغل‌شان مسئولیت بیشتری داشته‌اند لذا بنا بر قانون مجازات اسلامی، اگر کسی که زن حامله را به سقط جنین دلالت می‌کند، فرد معمولی باشد علاوه بر پرداخت دیه، به سه ماه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود.»

1. <https://bit.ly/2wsrCrR> سایت تابناک

مریم بنی‌نجار به ماده ۵۵۶ این قانون اشاره می‌کند و می‌گوید قانونگذار جنین دارای روح را در زمینه دیه مقرر در ماه‌های حرام، مانند انسان زاده‌شده و حتی بالغ فرض کرده و آورده است «سقط جنین پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است.»

قانونگذار برای سقط عمدی جنین، هم مجازات تعزیری و هم پرداخت دیه در نظر گرفته است. یعنی اگر کسی باعث سقط جنین دیگری شود علاوه بر مجازات تعزیری که در قانون آمده موظف به پرداخت دیه هم هست.

زینب اصغری، وکیل دادگستری در تهران در رابطه با افرادی

مجازات عمومی پیش از انقلاب این واقعیت که همسر می‌تواند زن را وادار به سقط جنین کند در نظر گرفته شده و در صورت اثبات سقط جنین به اصرار او، مجازات از مادر برداشته شده و شوهرش باید آن را تحمل می‌کرد. اما در قانون مجازات اسلامی بعد از انقلاب هر چند برای زن مجازات کیفری در نظر گرفته نشده اما هرگونه نقش و دخالت شوهر در این امر هم نادیده انگاشته شده است.»

قانون‌گذار اما در ماده‌ای دیگر احتمال ضرب و جرح منتج به سقط جنین را در نظر گرفته است. به موجب [ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی](#) ^۱هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی گردد علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

به موجب این ماده هرگاه ایراد ضرب یا اذیت و آزار منتهی به مرگ مادر شود علاوه بر کیفر قصاص نفس برای مرگ مادر، دیه جنین نیز محاسبه می‌گردد و اگر حکم قصاص نفس صادر نشود، علاوه بر دیه مادر، دیه جنین نیز قابل مطالبه خواهد بود.

آن‌گونه که از این مواد برمی‌آید قانونگذار در هیچ حالتی برای مادر مجازات حبس، جریمه و... پیش‌بینی نکرده است و در هر حال مادر حتی اگر به عمد و شخصاً جنین خود را سقط نماید فقط به پرداخت دیه به پدر محکوم خواهد شد.

با این که قانون‌گذار در هیچ مرحله‌ای برای پایان دادن داوطلبانه به بارداری، مجازات قصاص در نظر نگرفته و تنها پرداخت دیه را تعیین کرده اما مهرانگیز کار معتقد است که این اقدام، گامی به نفع زنان نبوده است: «اساساً ماهیت دیه بر نابرابری است و در قانون جمهوری اسلامی دیه زن نیم مرد تعیین شده است. حالا هرچند از برابری دیه در بعضی از موارد حرف می‌زنند اما آن هم برابری صوری است چون نیم باقی‌مانده دیه از صندوق دولت پرداخت می‌شود. بنابراین هر جا که بحث دیه وارد شود، چون اساس آن بر نابرابری است، من اثر مثبتی از آن نمی‌بینم و آن را وهن زنان در جامعه ایران می‌دانم.»

ماده ۷۱۹ تصریح دارد هرگاه چند جنین در یک رحم باشند سقط هریک از آن‌ها، دیه جداگانه دارد.

براساس ماده ۷۲۰ نیز دیه اعضاء و دیگر صدمات وارد بر جنین در مراحل‌های که استخوان بندی آن کامل شده، ولی روح در آن دمیده نشده است به نسبت دیه جنین در این



مرحله محاسبه می‌گردد و بعد از دمیده شدن روح، حسب جنسیت جنین، دیه محاسبه می‌شود و چنانچه بر اثر همان جنایت جنین از بین برود، فقط دیه جنین پرداخت می‌شود. ماده ۷۲۱ صراحت دارد که هرگاه در اثر جنایت و یا صدمه، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن، صدمه‌ای بر مادر وارد گردد، حسب مورد دیه یا ارش تعیین می‌شود.

شرایط لازم برای سقط جنین با دلایل درمانی

نخستین مستند قانونی در این زمینه، [بخشنامه](#) ^۲ آذر ماه سال ۱۳۸۲ سازمان پزشکی قانونی کشور است که در ماده یک مقرر می‌دارد: «در صورتی که ادامه بارداری مادر به مرگ جنین یا مادر منجر شود، درخواست صدور مجوز سقط درمانی (تنها در ادارات کل پزشکی قانونی استان‌ها) مورد پذیرش قرار می‌گیرد البته در صورت دستور مقام قضایی یا درخواست زوجین یا معرفی‌نامه پزشک معالج قبل از ولوج

2. <https://bit.ly/3dnf19R>

روح (چهارماهگی)»

این بخشنامه در ادامه، به تفصیل موارد علمی و شرایطی که پزشکان قانونی می‌توانند مجوز سقط بدهند، برشمرده است. اما این تنها مستند قانونی در این زمینه نیست همان‌طور که پیشتر هم گفتیم مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۸۴ ماده‌واحد سقط درمانی را تصویب کرد. در این ماده‌واحد آمده است: «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.»

مریم بنی‌نجار در مورد شرایط لازم برای سقط جنین درمانی می‌گوید: «از نکات مهم این ماده‌واحد آن است که تنها رضایت مادر را لازم دانسته و به رضایت پدر در این باره اعتنایی نکرده است. ضمن اینکه مسئولیت را از عهده پزشک

برداشته و تنها در صورت تخلف از مفاد این قانون، پزشک را مسئول دانسته است.»

پایان دادن داوطلبانه به بارداری

[محمد مهدی آخوندی](#) ^۱ رئیس انجمن جنین‌شناسی، از افزایش «سقط جنین مخفی و زیرزمینی» در ایران خبر داد و گفت که «هر روز یک هزار جنین در ایران کشته می‌شود که تنها حدود ده مورد قانونی است.»

وی با اعلام اینکه «آمار موثقی در مورد حدود ۷۰۰ هزار سقط در سال را هم دیده‌ام»، گفت که «حتماً تاکنون این میزان بیشتر هم شده است.»

مهرانگیز کار معتقد است که سیستم‌های قضایی پیش و پس از انقلاب هرگز اراده‌ای برای مجازات مرتکبان سقط جنین نداشته‌اند و او هرگز ندیده که زنی به اتهام سقط جنین مجبور به پرداخت دیه شود. با این همه خانم کار معتقد است که جمهوری اسلامی و سیستم قانون‌گذاری در آن هنوز آماده تغییر قوانین به نفع زنان و حق حاکمیت آنها بر بدن خود نیست: «برای پاسخ به این سوال که چقدر ممکن است که قانون اجازه بدهد زنان حق تصمیم‌گیری برای پایان دادن به بارداری خود داشته باشند، باید به سراغ مجموعه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری ایران برویم. وقتی تأیید کننده نهایی قوانین ما شورای نگهبان با آن دیدگاه بسته و محدود اسلامی است نمی‌توانیم به سادگی تصور تغییر قوانین را داشته باشیم. از سوی دیگر نمی‌توانیم فشارهای اجتماعی را هم نادیده بگیریم. فشارهای اجتماعی گاهی توانسته تغییراتی را ایجاد کند، بسیاری از اوقات هم نتوانسته ایجاد کننده تغییر باشد. نگاهی کنید به انبوه طرح‌ها و لوایحی که با هدف تغییر قوانین در حوزه زنان، در بایگانی‌ها انباشته شده و هیچ کدام به نتیجه نرسیده است. گاهی مجلس تصویب نکرده، گاهی مجلس تصویب کرده و در سد شورای نگهبان مانده و البته مجلس هم اصرار نکرده که به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود. مجمع هم گوش تا گوش آقایانی نشسته‌اند که از جنس فکری و فقهی اعضای شورای نگهبان هستند. با وجود بقای جمهوری اسلامی و مکانیزم‌های قانون‌گذاری آن و ادامه حکومت مذهبی من نمی‌توانم آمیدی به تغییر قوانین سقط جنین به نفع حق مالکیت زنان بر بدنشان داشته باشم. من فکر می‌کنم این نهایت سعه صدر جمهوری اسلامی است که به جان مادر اهمیت داده و در صورت ایجاد خطر برای مادر، سقط جنین را ممکن کرده است.»

1. <https://bit.ly/2l634Yj>

1. <https://bit.ly/2QDTxvY>

حسن فرشتیان: سخت‌گیری در قوانین سقط جنین

برآمده از مردسالاری است، نه فقه

در قوانین اسلامی پایان دادن به بارداری، در همه مراحل رشد و تکامل از زمان انعقاد نطفه تا تولد، حرام قطعی در نظر گرفته شده است.

موافقان این دستور می‌گویند این حکم از قرآن و روایات، استنباط می‌شود. یکی از آیات مورد استفاده موافقان آیه ۱۵۱ سوره انعام است که در آمده است:« **قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّكُمْ عَلَيْكُمْ^ط أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا^ط وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ^ط نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ^ط وَإِبَاهُمْ^ط وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ^ط وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ^ط ذَٰلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.**

بگو: بیايید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید.»

موافقان به استناد این آیه می‌گویند که این آیه به حرمت قتل نفس پس از اتمام خلقت و ولوج روح دلالت دارد. در حالی که مخالفان حرمت سقط جنین از همین آیه برای صدور جواز پایان دادن به بارداری استفاده می‌کنند و می‌گویند حرمت کشتن اولاد به دلیل فقر استنباط شده پس به سایر دلایل عسر و حرج می‌توان به بارداری خاتمه داد.

در میان روایات نیز موافقان به روایت اسحاق بن عمار که به صراحت اسقاط جنین را منع می‌کند:«عن اسحاق بن عمار قال: **قلت لابی الحسن(ع): المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها؟ قال: لا، فقلت، انما هو نطفه، فقال: ان اول ما یخلق نطفه**

جنین در اسلام برقرار کرد؟

اگر بخواهیم نظر اسلام را در این مورد خلاصه کنیم می‌توانیم بگوییم که نظر اسلام بر مبنای حفظ جان و حفظ حیات و زندگی است که این امر می‌تواند حیات مادر باشد و می‌تواند حیات جنین باشد.

اسلام از لحظه‌ای که جنین را به عنوان یک فرد زنده به رسمیت می‌شناسد، از همان لحظه، حفظ جان هر دو برای اسلام مهم است. اگر در این میان تکیه‌ای می‌شود بر حفظ جان جنین یا مادر، بستگی به وضعیت آنها دارد.

در این میان اما خواست مادر و اراده او برای نگه‌داشتن یا خاتمه‌دادن به بارداری اصلا مورد توجه فقه قرار نگرفته است. به صرف این که جنین به وجود آمده باید نگه داشته شود.

اگر من بخواهم این را به تعبیری دیگر بیان کنم این است که در اسلام حفظ حیات و حفظ جان اولویت دارد. هنگامی که مادری تصمیم به بارداری می‌گیرد، در این حالت ما با شرایطی مواجه هستیم که مادری امکان ایجاد فرزندی را فراهم کرده و قاعدتا حفظ جان این فرزند اهمیت دارد. اینجا استثنائاتی دارد مانند این که مادر ناخواسته باردار شود و یا مادر در جریان تجاوزی باردار شده باشد، این داستان مجزا است اما در شرایط عادی مادری که بارداری را پذیرفته است، به ناچار بایستی تبعات آن را هم بپذیرد. نمی‌تواند وسط راه، هنگامی که روحی به کسی داده شد، بگوید چون من حق بر بدن خویش دارم می‌توانم این جنین را از حق حیات محروم بدارم. همچنان که وقتی جنین متولد شد نمی‌تواند بگوید چون این فرزند را من به دنیا آورده‌ام، حق حیات و زندگی او با من است و می‌توانم به او شیر ندهم تا گرسنگی سبب مرگ او شود.

اسلام کمی به عقب بر می‌گردد و می‌گوید از لحظه‌ای که این جنین دارای روح شده، که در تعالیم اسلامی گفته شده از حدود هفته دوازدهم، از آن لحظه به بعد مادری که مشارکت کرده در ایجاد جنین، نمی‌تواند بگوید از این به بعد نمی‌خواهم در این مشارکت حضور داشته باشم.

نگاه اسلام این است که تا پیش از دمیدن روح، مادر می‌توانسته و حق داشته جلوی این بارداری را بگیرد یا اگر بارداری ایجاد شده، به این بارداری خاتمه دهد اما هنگامی که وارد آن شد اسلام می‌گوید شما حق نداری مسئولیت خود را ندیده بگیری.

آقای فرشتیان! شما فرض را بر اراده و اختیار زن برای بچه‌دار شدن گذاشته‌اید. اگر این اراده وجود نداشته باشد چطور؟ اگر زن بدون اطلاع و آگاهی باردار شده باشد، اسلامی چه حکمی می‌دهد؟

سوال دقیقی است. در عالم حقوق و فقه، این که فردی مدعی شود

که به مقررات یا به تبعات کارش ناآگاه است، این رافع مسئولیت نیست. یک زمانی ناآگاهی به این معنی است که زنی در زمان برقراری رابطه جنسی فراموش کرده که از وسایل جلوگیری از بارداری استفاده کند یا قرص ضدبارداری‌اش را به موقع مصرف کند، این جهل و نادانی رافع مسئولیت زن نمی‌شود. همچنان که در عالم حقوق هم همین‌طور است و کسی نمی‌تواند بگوید چون من از قانون بی‌خبر بودم، مرتکب این کار شدم. فرض بر این است که زمانی که قانونی حاکم می‌شود همه از آن با اطلاع هستند. اگر موضوع بارداری دختر بچه خردسالی باشد که اساسا از بارداری و از تبعات رابطه جنسی اطلاعی نداشته، آن مقوله دیگری است که می‌شود در مورد آن نظر دیگری داد.

اگر برقراری رابطه خارج از اراده و خواست زن باشد چطور؟ اگر جنین حاصل تجاوز باشد، حتی تجاوز از سوی همسر، اسلام چه نظری در مورد جنین دارد؟

در موضوع تجاوز موضوع متفاوت است. در این مورد چنین نبوده که زن به طور ارادی باردار شود و بعد از ادامه مسئولیت سرباز بزند. در این مورد بارداری به زور به زن تحمیل شده است در این حالت، مسئولیت زن متفاوت است و نمی‌توان چنین زنی را مسئول ادامه حیات جنین دانست.

در کتب و رساله‌های عادی فقه، معمولا وقوع تجاوز را مجوزی برای سقط نمی‌دانند چون نگاه فقیهان گذشته به مقوله تجاوز متفاوت بوده است. اما فقهای متاخر از جمله آیت‌الله صائنی که مسایل نواندیشی را هم در نظر می‌گیرد و با مسائل روز فتوا می‌دهد، معتقد است در چنین شرایطی زن می‌تواند برای جلوگیری از عسر و حرج و آبروریزی، به بارداری خود خاتمه دهد. در اینجا به دلیل این که زن نقشی در این بارداری نداشته و تجاوز برای او ضایعات روحی و روانی ایجاد می‌کند، در عین حال تمایل ندارد فرزند محصول آن لحظات سخت را داشته باشد، فقهای جدید مانند آیت‌الله صائنی چنین نظری دارند و من هم با آن موافقم اما این که سایر فقها و فقهای قدیم‌تر چنین حکمی را نداده‌اند، به نظر من ناشی از عدم درک مساله است.

اما در نوع دیگر تجاوز، یعنی تجاوز در بستر زناشویی و توسط همسر خویش، این موضوع، مفهومی مدرن و جدید است و مفهومی است که در جوامع غربی وجود دارد. در ایران و بسیاری از جوامع اسلامی و همچنین در کشورهای سنتی و ناپیشرفته دیگر چنین مفهومی، شناخته شده نیست.

من همین الان در فرانسه موکلی دارم که در زندان به سر می‌برد، اتفاقا یکی از اتهامات او تجاوز به همسر خویش است. این فرد از کشوی جهان سومی آمده که فرهنگی شبیه فرهنگ ما ایرانیان دارد. زمانی که من پرونده او را مطالعه کردم و این اتهام را به

او گفتم، شوکه شد و گفت: همسرم بوده است! مگر می شود به همسرم تجاوز کنم؟ وقتی برای او مفهوم حقوقی تجاوز را توضیح دادم، دیدم اصلا متوجه این مساله نیست، یعنی در فرهنگ او، با همسرش که رابطه برقرار کرده، اگر چه همسرش راضی نبوده باشد، همسرش است و این حق مرد است و تجاوز محسوب نمی‌شود.

الان در ایران هم ممکن است در سال‌های اخیر تغییراتی در فرهنگ روابط زناشویی ایجاد شده باشد اما در فرهنگ سنتی قدیمی ایران، به ویژه در نسل‌های قبلی تجاوز در بستر زناشویی اصلا مفهومی نداشت. در نتیجه نه تنها فقهای ما اصلا چنین موضوعی را درک نمی‌کنند، بلکه در بخش بزرگی از جامعه این مساله موضوعیت ندارد. همین حالا اگر در ایران زنی بخواهد از تجاوز در بستر زناشویی توسط همسرش شکایت کند کدام مرجع قانونی شکایت او را به رسمیت می‌شناسد؟ در کلانتری، او را مسخره خواهند کرد. من باور دارم که تجاوز در زناشویی ممکن است که اتفاق بیفتد و عملی است خلاف قانون، خلاف اخلاق و ناقض حقوق انسانی زن. ولی نظراتی که فقها و حقوق‌دانان می‌دهند براساس شرایط زیستی و محیط پیرامونی آنهاست و این مفهومی است که در ذهن فقهای قدیم ما وجود نداشته است.

نکته دیگر آثاری است که تجاوز و بارداری ناشی از آن می‌تواند بر روح و روان زن داشته باشد، آثار روانی بزرگ کردن فرزند ناشی از تجاوز در میان فقهای ما شناخته شده نبوده است. اما من معتقدم حتی بر مبنای مبانی فقهی کنونی، می‌توان حکم به پایان دادن این بارداری داد زیرا این از موارد عسر و حرج مادر محسوب می‌شود. اما اگر برای زنی موضوع حرج نباشد و آن بارداری و بزرگ کردن آن فرزند محصول تجاوز را بپذیرد همان‌طور که در غرب هم زنانی هستند که فرزند حاصل از تجاوز را می‌پذیرند، در آن صورت دلیلی برای سقط جنین وی وجود ندارد.

شما از تفاوت دیدگاه‌های فقهای قدیم و فقهای جدیدتر سخن می‌گویید. البته تا به حال دیده نشده که در ایران قوانینی بر مبنای نظر فقهای جدید تدوین شود و قوانین عمداً بر مبنای نظرات فقهای قدیم نوشته شده است. اما چنین برداشتی در برخی از کشورهای مسلمان وجود ندارد و به عنوان مثال کشورهای تونس و ترکیه اجازه می‌دهند تا زنان در مورد ادامه یا پایان بارداری خود آزادانه تصمیم بگیرند. چگونه چنین تفاوت بزرگی میان برخی از کشورهای اسلامی و ایران دارد؟

مثالی که در مورد تونس زدید مثال منحصر به فرد و نقطه اوج حقوق زنان در دنیای اسلام است. در تونس از زمان حبیب بورقیبه، حقوق طلاق و حقوق برابری که به زنان تونس داده شد در برخی موارد از حقوقی که به زنان اروپایی داده شده بود نیز فراتر رفته بود.

از همان حدود نیم قرن پیش عمده حقوق زنان تونس برابر با مردان بود، زیرا حاکم کشور، حبیب بورقیبه با عنوان یک فرد لائیک رهبری کشور را در دست گرفت لذا می‌بینیم که این فرهنگ در تونس جا می‌افتد و حتی پس از بهار عربی افرادی مانند راشد الغنوشی که رهبر اسلام‌گرایان بود، هم خیلی صریح با برپایی حکومت اسلامی و با دخالت اسلام‌گرایان در حکومت و قوانین مخالفت کرد و وارد بازی دموکراسی شد. یکی از ستون‌های دموکراسی، حقوق زنان است که با حذف آن، پایه دموکراسی متزلزل می‌شود و خوشبختانه تا به حال این ستون در تونس حفظ شده است. تونس جامعه مدنی بسیار قوی و پیشرفته دارد به ویژه زنان دوشادوش مردان در جامعه مدنی مشارکت دارند.

در کشوری مثل ایران متأسفانه از جهت تاریخی حتی بعضی از زنان کشور ما برای خود چنین حقوقی قائل نیستند. ما حتی نمایندگان زنی داشتیم که در مجلس شورای اسلامی قوانینی سخت‌گیرانه‌تر از آنچه را را مردان پیشنهاد داده بودند، ارائه می‌کردند. طرح‌هایی که آنها در قالب قوانین خانواده و چند همسری مطرح کردند بیشتر به ضرر زنان بود تا طرح‌هایی که مردان نماینده ارائه می‌کردند. مساله در ایران، مساله فرهنگی است.

هستند زنانی که در خانه از سوی همسرشان مورد خشونت قرار می‌گیرند اما آن را طبیعی می‌دانند و حاضر نیستند شکایت کنند، یا اگر در رابطه جنسی مورد تجاوز قرار بگیرد، این را حق مرد می‌داند، این نیاز به بسترسازی فرهنگی دارد. این فقط مربوط به مذهب و روحانیون نیست.

درست است که زنان ایران نه از نظر فرهنگی امکانات زنان تونس را دارند و نه دموکراسی و فاصله‌ای که میان دین و حکومت وجود دارد، بر ایران حاکم است، اما نکته‌ای که در ایران وجود دارد و به نظر می‌رسد فقهای مذهبی آن را نادیده می‌گیرند این است که سال‌هاست، زنان ایرانی از ابزارهایی برای خاتمه دادن به بارداری‌ای که یا ناخواسته به وجود آمده و یا پس از ایجاد آن، شرایط نگهداری‌اش تغییر کرده، استفاده کرده‌اند. در همه این سال‌ها زنان به دلیل ممنوعیت سقط جنین از دسترسی به بهداشت و درمان مناسب محروم بوده‌اند. آمار نشان می‌دهد روزانه در ایران هزار سقط جنین صورت می‌گیرد و تعداد بسیار کمی از آنها از امکانات بهداشت برخوردارند. آیا فقه شیعه هیچ‌گاه به موارد پنهان در جامعه توجهی می‌کند؟ یا حتما باید یک خواسته علنی مطرح شود؟ نمی‌خواهم از بحث اصلی خارج شوم اما مساله ورود زنان به ورزشگاه‌ها از مواردی است که علی‌رغم خواست زنان، علما در نظر خود هیچ تغییری ایجاد نکردند. چرا در مواردی که زنان به طور مستقیم از این



ممنوعیت آسیب جسمی و روحی می‌بینند، فقه تغییری در دیدگاه‌های خود ایجاد نمی‌کند؟

به نظر من اتفاقاً فقه چنین ظرفیتی را دارد. بگذارید مثال بزنم: در سال ۱۳۴۲ زمانی که بحث حق رای زنان مطرح شد، آیت‌الله خمینی مثل سایر فقهای دوران خود با رای دادن زنان مخالف بود و آن را خلاف شؤونات اسلامی می‌دانست، چه رای بدهند و چه به عنوان نماینده انتخاب شوند و به مجلس بروند.

آن زمان، فقها معتقد بودند زنان حق وکالت و نمایندگی شرعی را ندارند و اصلاً حق ندارند رای بدهند. اما در سال ۵۷ این داستان برعکس می‌شود و همان آیت‌الله خمینی زنان را به خیابان می‌کشد از آنها می‌خواهد که به خیابان‌ها بیایند و در تظاهرات شرکت کنند حتی اگر شوهرانشان راضی نباشند. پس از آن در فراندوم جمهوری اسلامی زنان را به پای صندوق رای کشاند، همان آیت‌اللهی که ۱۵ سال قبل این عمل را حرام می‌دانست. می‌بینیم که برخی تصمیم

گیری‌های فقهی تا حدی تابع شرایط سیاسی جامعه می‌شود. اما در مورد آن بخش از حقوق زنان که در برابر حقوق مردان قرار می‌گیرد، باید با طرح گسترده موضوع و با زبان هم‌زبانی مطرح شود تا نظر مثبت علما را به خود جلب کند. نهادهایی مثل فقه و حقوق، مرزبانان سنت هستند، نهادهایی هستند که دیر به حرکت در می‌آیند. ابتدا باید دانش بشری موضوعی را مطرح کند و سپس فقه در مورد آن نظر بدهد، فقه هیچگاه پیشگام نیست. فقه و حقوق از علوم پسینی هستند نه پیشینی.

ما همین روزها با ویروس کرونا مواجهیم، می‌بینیم که فقه با تاخیر به میدان می‌آید. در مورد بسته شدن حرم‌ها ابتدا باید کادر بهداشتی و درمانی موضوع را مطرح کرده و خطرات آن را گوشزد کنند تا فقه قبول کند والا فقه مرزبان مرزهای سنتی است، فقه مرزبان دست‌آوردهای مدرن نیست. دست‌آوردهای مدرن را باید جای دیگری تبیین کرد و به فقیهان تفهیم کرد. در این موقعیت درواقع جامعه خواسته همگانی خود را به فقها تحمیل می‌کند.

در مورد سقط جنین‌های پنهانی من فکر می‌کنم انجمن‌های مردم‌نهاد، فعالان مسایل زنان و طرفداران حقوق بشر باید این خواسته را شفاف‌تر بیان کنند، آن زمان فقه هم قبول خواهد کرد. همان فقهی که می‌گفت رای دادن زنان حرام است، همان فقه رای دادن زنان را شبیه واجب می‌داند.

اما آقای فرشتیان به نظر می‌رسد که تفاوت بزرگی وجود دارد بین آرای آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای رهبر فعلی جمهوری اسلامی. آیت‌الله خامنه‌ای در استفتایی در مورد حکم سقط جنین گفته است:

«سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتّی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد.»

یعنی در جایی که این دیدگاه، تفکر رهبر جمهوری اسلامی، جان یک جنین را بر مادرش ارجح می‌داند و می‌گوید حتی اگر جان مادر به خطر بیفتد اما جنین زنده بماند، سقط جنین جایز نیست، فکر می‌کنید اصلاً می‌توان امیدی داشت که فقهای شیعه تغییری در فتاوی خود ایجاد کنند؟

خب بگذارید که من هم فتوایی را به شما بگویم: «اگر وجود جنین، موجب مرگ مادر شود، مانند اینکه بیماری‌یی دارد که به مادر سرایت می‌کند و باعث قتل مادر می‌گردد، برای جلوگیری از

هلاکت مادر و به شرط انحصار طریق، مادر می‌تواند جنین را حتّی بعد از دمیده شدن روح، سقط نماید. البته باید توجّه داشت که سقط عمدی و مستقیم جنین، همیشه باید به عنوان آخرین راه حل، مورد نظر قرار گیرد و تا ممکن است، مرگ و سقط جنین به وسیله خوردن دارو توسط مادر و همراه با معالجه او صورت گیرد.» این هم فتاوی آیت‌الله صانعی است.

اینجا باید به این پرسش پاسخ دهیم که معلومات فقهی رهبر جمهوری اسلامی چقدر است؟ من قصد سیاسی کردن بحث را ندارم و قصد تحقیر جایگاه علمی ایشان را نیز ندارم اما در حوزه‌های علمیه ایشان به عنوان فقیهی که در امور فقه متبحر باشد، شناخته نمی‌شود. ایشان سیاستمداری است که رهبر کشور شده است برخلاف آیت‌الله خمینی که هم‌زمان با این که رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی بود، فقیه هم بود. اما حضور حوزوی آیت‌الله خامنه‌ای کمتر است و ایشان بیشتر یک سیاستمدار است، تا یک فقیه.

باید بگوییم که حتی با وجود رهبری شخصی مثل آیت‌الله خامنه‌ای با چنین نظراتی، باز هم من معتقدم که امکان اصلاح قوانین وجود دارد. مثال دیگری برنم، قبل از انقلاب که قانون حمایت از خانواده مطرح شد، به زنان اجازه طلاق داده شد. با توجه به این که آن زمان فقیهان معتقد بودند که این خلاف شرع است و زن حق طلاق ندارد، آنان در زمان شاه رعایت احتیاط می‌کردند و با زنانی که با این قانون طلاق گرفته بودند، ازدواج نمی‌کردند و می‌گفتند که طلاقشان اشکال شرعی دارد. اما زمانی که جمهوری اسلامی برقرار شد، همان لایحه و همان مواد را ۱۲ مورد به صورت شرط ضمن عقد یعنی با تعبیراتی که بتوان آنها را شرعی کرد، گفتند هنگام عقد، مرد به زن وکالت و مجوز می‌دهد که از طرف او وکیل است که در این ۱۲ مورد طلاق بگیرد. حالا زنان می‌توانند درخواست کنند که چرا ۱۲ مورد؟ بلکه اصلاً در همه موارد و هر زمانی که زنان بخواهند طلاق بدهند باید این حق را داشته باشند، اکنون براساس قانون و شرع می‌توان این خواسته زنان را در دفترچه‌ها گنجاند.

در چارچوب برخی از مفاهیم و تعبیر می‌توان این موارد را در چارچوب فقه هم پیاده کرد. برگردیم به موضوع سقط جنین، اگر بتوانیم این موضوع را با تعبیهایی که همدلی وهم‌زبانی با فقه داشته باشد، مطرح کنیم، می‌توان به تغییر قوانین امیدوار بود. در فقه تعبیری به کار برده می‌شود مثل عسر و حرج و مشقت زیاد، اگر از همین عبارات استفاده کنیم می‌توانیم این را مطرح کنیم که جنین حاصل از تجاوز، عسر و حرج و مشقت زیادی برای آن زن به دنبال دارد و امکان ندارد این زن بتواند با تداوم بارداری و تولد فرزند، زندگی صحیح و شرافتمندانه‌ای داشته و از حقوق اجتماعی و انسانی خود بهره‌مند باشد.

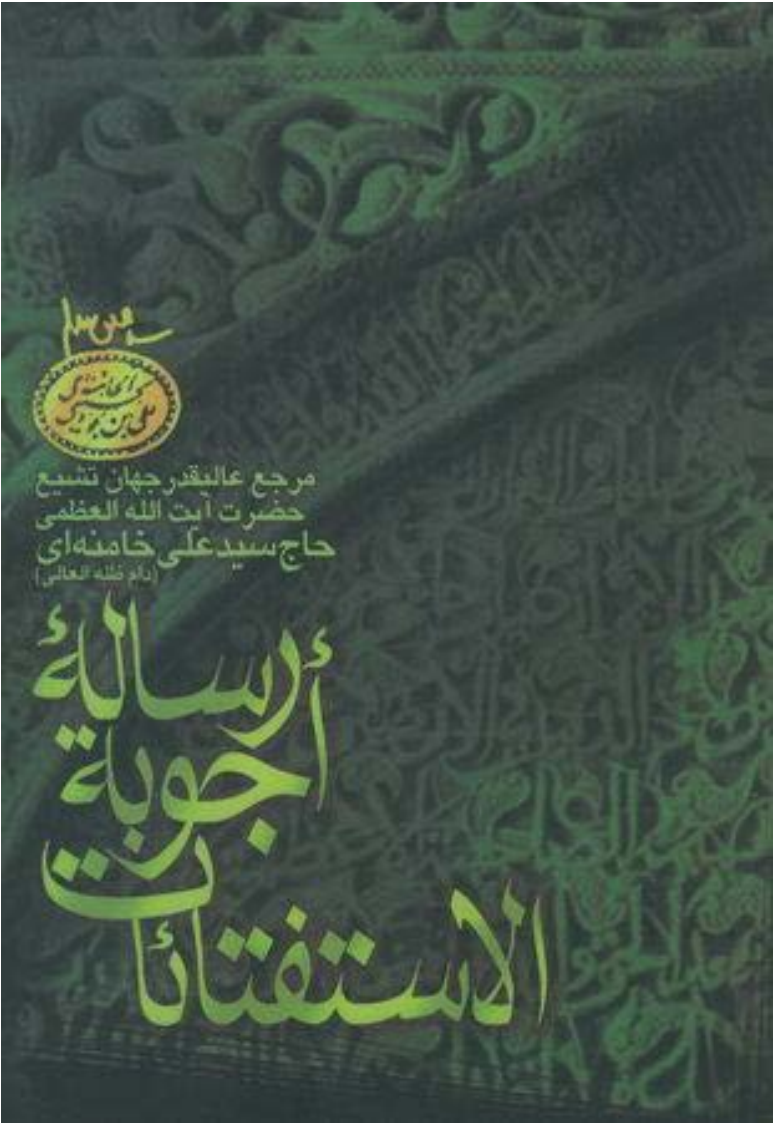
به نظر من این موضوع قابل حل است و جمهوری اسلامی هم طبق قوانین خود موظف نیست به فتاوای آیت‌الله خامنه‌ای عمل کند. اینها باید قانون شود و قانون می‌تواند با فتاوای رهبر کشور همدل نباشد. البته در نبود قانون، قاضی موظف است به فتاوای فقیهان و در راس آنها به فتاوای رهبر کشور رجوع کند اما ما می‌دانیم، فیلتری که در قانون اساسی برای تصویب قوانین در نظر گرفته، شورای نگهبان است که فقهای شورای نگهبان، نه تنها وظیفه ندارند بلکه بر مبنای قاعده کلی که مجتهد باید از نظر شرعی خویش پیروی کند و حق تقلید ندارد این آقایان حق ندارند از فتوای آقای خامنه‌ای تبعیت محض کنند، بلکه باید بر مبنای قواعد فقهی خودشان احکام شرعی را استنباط کنند.

همچنان که در زمان آیت‌الله خمینی هم این اتفاق می‌افتاد، آیت‌الله صافی گلپایگانی که امروز یکی از مراجع کهنسال قم است، آن زمان از فقهای شورای نگهبان بود و نظراتش مخالف نظرات آیت‌الله خمینی بود و به صراحت هم بیان می کرد در نهایت هم از شورای نگهبان استعفا داد زیرا فقیه نمی‌تواند از فقیه دیگری تقلید کند. فقیهی که در شورای نگهبان است نمی‌تواند رساله آیت‌الله خامنه‌ای را باز کند تا ببیند نظر فقهی او چیست، فقهای شورای نگهبان باید به نظر فقهی خود عمل کنند و من معتقدم ما مردان و زنان می‌توانیم این خواسته را آنقدر فراگیر و عمومی کنیم تا فقیهان ما هم صورت مساله را درک کنند.

اگر برگردیم به موضوع حق طلاق، مساله این است که مردان چه مذهبی و چه غیر مذهبی، حاضر نیستند به راحتی حق طلاق را به همسرانشان بدهند، این یک مساله فرهنگی است. جالب این که مذهبی‌ها، مذهب را بهانه می‌کنند که در مذهب حق طلاق با مرد است اما همین فقیه هنگامی که نوبت دختر خودش می‌رسد، یعنی دختر او در فشار قرار می‌گیرد، متقاضی طلاق است و همسرش طلاق نمی‌دهد، او هم درگیر این موضوع می‌شود. اینجاست که فقیهان نظرشان کاملاً متفاوت می‌شود.

در مورد سقط جنین هم شاید این درگیری با تاخیر ایجاد شود ولی من معتقدم که نباید ناامید شد، باید قدم به قدم جلو رفت و خواسته‌ها را مطرح کرد حالا اگر به سقف خواسته‌ها نمی‌رسیم، لااقل خواسته‌ها را گام به گام مطرح کنیم و پیش ببریم از جمله خواسته آزادی حق سقط جنین را کم‌کم می‌توان گسترش داد.

آقای فرشتیان، بحث ما حقوقی است و سیاسی نیست وگرنه من می‌گفتم که فقهای شیعه در سال‌های اخیر نشان دادند که کوچکترین عقب‌نشینی در برابر مسائل زنان نخواهند داشت. در سال‌های اخیر نمایندگان زن مجلس بارها به قم سفر کرده و با علمای مختلف در مورد افزایش سن ازدواج دختربچه‌ها به ۱۵ سال ملاقات کردند اما جز آیت‌الله مکارم



شیرازی، هیچ از علما با آنها همراهی نکرد.

به سقط جنین برگردیم. در میان احکام مختلف مربوط به زنان این تنها سقط جنین است که نه در فقه و نه در قانون پای ولی زن به میان نیامده و زن می‌تواند خود به تنهایی در مورد پایان دادن به بارداری‌اش تصمیم بگیرد و در پزشکی قانونی نیز مجوز سقط تنها با درخواست زن بررسی می‌شود. چقدر این حق و اختیاری که زنان داده شده، سبب شده که فقها از بازگذاشتن دست زن برای تصمیم‌گیری ابا کنند؟ آیا ریشه‌های مردسالاری عامل محدود کردن اختیار زنان است؟

گمان می‌کنم این موضوع نیز تابع همان امر کلی است که بر آن مبنایی که گفته شد چون فقیهان حافظ مرزهای کهن هستند، در سایر موارد هم با تردید و تاخیر جلو می‌آیند. قوانین موضوعه هم همین گونه هستند، دانش‌های پسینی هستند و پس از مطالبات مردم یا زمامداران، خود را متحول و به روز می کنند. مطالبات مردم باید هم فراگیر بشود و هم مستند به نظرات کارشناسی، تا

فقه و قانون را تکانی بدهد. باز هم می‌گویم که باید فقها درگیر و مبتلا شوند تا تن به تغییر دهند. این مقاومت‌ها به نظر من به دلیل این است که فقها خود درگیر این موضوع نیستند

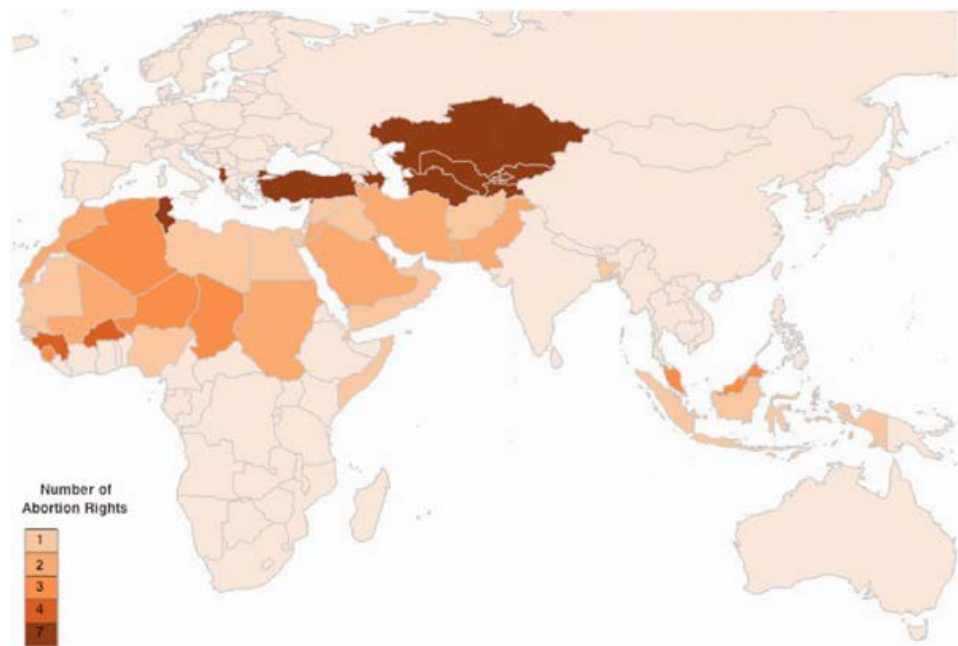
و البته فقیه زن هم نداریم که به دلیل درگیر شدن با این موضوع، حکم به تغییر بدهد.

ولی خب گفتمان زنان قطعاً به فقها می‌رسد. در این سال‌ها تغییرات فقهی زیادی انجام شده که هیچ ربطی هم به جمهوری اسلامی ندارد. البته این تغییرات هنوز کم است و هنوز حقوق زنان به طور کامل استیفا نمی‌شود و البته این شامل مردان نیز هست که در بسیاری موارد، موانع حقوقی بسیاری را پیش‌روی خود می‌بینند. به نظر من روند تغییرات زمان‌بر است اما جای امیدواری وجود دارد.

البته آقای فرشتیان این امید به آینده شما غبطه‌برانگیز است. مهرانگیز کار با سابقه سال‌ها فعالیت در حوزه زنان معتقد است تا زمانی که حکومت فقها جاری باشد، نمی‌توان امیدی به تغییر داشت.

من این را تنها مرتبط با حکومت فقیهان نمی‌دانم، به نظرم این به ریشه‌های مردسالارانه جامعه ما باز می‌گردد. یعنی در جوامعی که حکومت فقهی ندارند اما مردان حاکمند و در پی منافع خودشان هستند، قوانینی بر ضد زنان، مانند رواج ختنه زنان در کشورهای غیر مسلمان افریقایی، جاری است. این مساله به نظر من بیش از آن که ناشی از حکومت فقهی باشد، ناشی از مردسالاری ماست که طبیعتاً فقهای ما هم چون مرد هستند دست به دست هم داده‌اند و ترکیب فقه سنتی موجود و مردسالاری موجود یک معجون بسیار نا موجهی را برای حقوق زنان فراهم می‌کند.

البته که فقه نباید جای قانون را بگیرد و قوانین کشور باید تابع خرد بشری و دستاوردهای علمی و کارشناسی باشد، ولی اکنون که در کشور ما چنین نظامی فقهی حاکم است ما نمی توانیم صبر کنیم تا نظام حقوقی تغییر پیدا کند تا در نتیجه زنان به حقوقشان دسترسی داشته باشند. با همین مقررات نیز می‌توان مطالبه‌ها را گسترده کرد، فقیهان نیز ناچار خواهند بود مبانی خود را با نظرات کارشناسی انطباق دهند. در همین فقه، فقیهانی مانند آیت‌الله منتظری و آیت‌الله صانعی بوده و هستند که فعالان حقوق بشر و حقوق زنان با آنها در ارتباط بوده‌اند و تحولاتی در مورد حقوق بشر به صورت عام و در حقوق زنان به طور خاص در نگاه فقهی آنان ایجاد کرده‌اند و آنان نیز فتاوای راهگشایی ارائه دادند. این نشان می‌دهد که فقه، هرچند با تاخیر و تردید، ولی در مجموع، توانایی تطابق با تغییرات را دارد.



سقط جنین در یمن تحت حاکمیت قانون جزای ۱۹۹۴ قرار دارد که مبتنی بر حقوق محدود کننده اسلام است که سقط جنین را به جز در مورد نابودی جان مادر ممنوع کرده است. عربستان، اردن، قطر، کویت و پاکستان با شرایطی سقط جنین را برای حفظ سلامت مادر نیز جایز میدانند و الجزایر و مالزی پا را فراتر نهاده و سلامت روانی مادر را نیز علاوه بر موارد قبل برای تجویز سقط درمانی، معتبر دانسته‌اند.

قانون جزایی مصر سقط جنین را در صورتی که حاملگی اثبات شده باشد ممنوع کرده با این همه ماده ۶۱ این قانون مقرر می‌دارد: «اگر شخصی برای دفع خطر شدید از خود یا دیگری عملی را انجام دهد مجرم محسوب نمی‌شود.» این ماده قانونی گاهی اوقات مبنای عدول از قانون ممنوعیت سقط جنین در مورد تهدید جان یا سلامت مادر مورد استناد قرار می‌گیرد.

در ۱۲ کشور، عمدتاً کشورهای مسلمان بلوک شرق سابق، سقط جنین بدون محدودیت مجاز است. کشور دوازدهم بحرین است که در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

سارا نجیمی عمده‌ترین تاثیر قوانین محدود کننده سقط جنین در کشورهای اسلامی را در خطر قرار گرفتن جان زن، پس از سقط جنین غیرقانونی می‌داند و می‌گوید «مهم‌ترین دلیل فشار سازمان‌های جهانی از جمله سازمان بهداشت جهانی برای تغییر قوانین در دسترس قرار دادن امکانات درمانی و بهداشتی برای زنانی است که قصد دارند به بارداری خود خاتمه دهند.»

منابع

[بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان](#)

[مطالعه تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای مسلمان](#)

[مروری بر قوانین سقط جنین و بهداشت باروری در منطقه مسلمان‌نشین خاورمیانه](#)

خود را سقط کنند.

اما این دیدگاه در همه کشورهای مسلمان جاری نیست. به گفته سارا نجیمی کشورهایی که در آنها سکولاریسم حاکم است، نگاه دیگری به قوانین سقط جنین دارند. او تونس را پیشتاز قانون‌گذاری در این زمینه می‌داند.

تونس اولین کشور منطقه خاورمیانه بود که بیش از ۴۰ سال پیش در سال ۱۹۷۳ لیبرال‌ترین قوانین در این زمینه را در یک کشور اسلامی به تصویب رساند. ممنوعیت چندهمسری برای مردان، آزادی سقط جنین، آزادی حق طلاق، نمونه‌ای از دستاوردهای زنان پیشرو تونسی در گذشته بود. این کشور اکنون به الگویی برای همسایگانش تبدیل شده و جنبش‌های اجتماعی در مراکش می‌خواهند که قوانینی پیشرو مانند قوانین تونس داشته باشند.

اما همیشه این قانون نیست که حرف اول را می‌زند. در ترکیه در سال ۱۹۶۵ سقط جنین در دو مورد مجاز اعلام شد: یکی در حالت ناکامل بودن جنین و دیگری هنگامی که بارداری برای مادر خطر جانی داشته باشد. در سال ۱۹۸۳ با تصویب قانونی، موارد دیگری نیز بر این دو مورد افزودند و مهلت سقط جنین را تا پایان دهمین هفته بارداری تعیین کردند. درواقع، با این قانون سقط جنین را مجاز شمرده و از آن جرم‌زدایی کردند. اما آن‌گونه که [رسانه‌ها](#) خبر می‌دهند با روی کار آمدن دولتی اسلام‌گرا در این کشور سخت‌گیری‌ها روز به روز بیشتر شده و حالا کار به جایی رسیده که علی‌رغم قانونی بودن سقط جنین، زنان در ترکیه قادر به استفاده از حقوق قانونی خود نیستند.

قوانین ۱۳ کشور از کشورهای منطقه بسیار محدود کننده هستند و سقط جنین را فقط در مورد تهدید جان مادر مجاز می‌دانند. طبق قوانین کیفری، سقط جنین در لبنان، لیبی، موریتانی و سوریه جز آن‌که برای مادر تهدید جانی داشته باشد، ممنوع است.

1. <https://bit.ly/347mANX>

سقط جنین در کشورهای مسلمان، از قوانین محدود کننده تا قوانینی که اجرا نمی‌شوند!

سارا نجیمی: کشورهایایی که در آنها

سکولاریسم حاکم است، نگاه دیگری به

قوانین سقط جنین دارند. تونس در این

زمینه پیشتاز قانون‌گذاری است.

مادرزادی باشد قابل انجام است.

در منطقه خاورمیانه، به دلیل گسترده‌تر شدن جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی در سال‌های اخیر، رویکرد به قانونی بودن سقط در موارد تجاوز به عنف، روز به روز از جانب رهبران مذهبی بیشتر به رسمیت شناخته می‌شود. در سال ۱۹۹۸ فتوایی از جانب شیخ اعظم مصر صادر شد که اگر زنان مجرد مورد تجاوز به عنف قرار گیرند حق سقط جنین را دارند. در سال ۲۰۰۴ شیخ الازهر پا را از این هم فراتر گذاشت و فتوایی به این مضمون صادر کرد که مادران بارداری که زندگی آنها به دلیل بارداری در خطر است حق سقط جنین دارند.

واضح است که هر چند بخش عمده‌ای از این فتواها، به تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع باز می‌گردد اما این تغییرات همواره نمی‌تواند سبب تغییر نظر علما شود. سارا نجیمی یکی از اتفاقات سیاسی را که سبب تغییر در فتاوای مذهبیون نشد چنین برمی‌شمرد: «در جنگ اول خلیج فارس، تعداد زیادی از زنان کویتی از سوی سربازان عراق مورد تجاوز واقع شدند، مساله سقط جنین ناشی از تجاوز بار دیگر مطرح شد اما فقیهان کویتی گفتند که تجاوز به عنف، سقط جنین را توجیه نمی‌کند. این استدلال شامل زندگی بعد از لقاح هم بود و فقها معتقد بودند جان جنین بیگناه باید حفظ شود.»

این کاملاً مخالف فتوای اکریما صبری، مفتی فلسطینی بود که در سال ۱۹۹۹ با صدور فتوایی اجازه داد زنان مسلمانانی که در کوزوو مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، با استفاده از روش‌های پزشکی، جنین

گرفته خوردن ناموس و سنت و دین در کشورهای مسلمان، هزارتویی ناگشودنی را در برابر مدافعان سقط جنین گسترده است. از سقط جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج گرفته تا زنده به گور کردن فرزندان حاصل از تجاوز. در میان کشورهای اسلامی جز معدودی استثنا، این مساله به طور کلی پذیرفته شده که بررسی مسایل اسلامی در میان مسلمانان باید با رجوع به قرآن و سنت صورت گیرد. این در حالی است که نه قرآن و نه سنت به طور مستقیم از سقط جنین عمدی سخن نگفته‌اند. تمرکز این منابع به جای بررسی تصمیم یک زن به ختم بارداری قبل از تولد، بر روی کودکان و نوزادان ناشی از رابطه خارج از ازدواج است.

سارا نجیمی، کارشناس حقوق ساکن کانادا در مورد نگاه کشورهای مسلمان به موضوع سقط جنین می‌گوید: «از دیدگاه فقه جنین به طور کلی دو مرحله دارد: مرحله قبل از دمیده‌شدن روح که قبل از چهار ماهگی جنین است. براساس دیدگاه فقهی زمان حلول روح در بدن جنین، ابتدای به وجودآمدن نفس حیوانی است. بنابراین گرچه تا قبل از دمیدن روح به جنین، انسان کامل و بالفعل تحقق نیافته، اما انسان بالقوه هست، پس از منظر اسلام لازم است حرمت آن حفظ شود.

مرحله دوم، پس از حلول روح است که براساس قوانین بسیاری از کشورهای اسلامی در این مرحله جنین حقوقی مانند انسان کامل دارد. در عین حال هیچ آیه قرآنی به طور صریح سقط جنین را ممنوع نکرده تنها چند آیه وجود دارد که توصیه کلی کرده به ممانعت از قتل کودکان.»

به گفته خانم نجیمی برخی از کشورها نگاهی سکولار به جنین دارند و در برخی از کشورها حیات جنین به حیات مادر ارجحیت داشته است. اما روند تغییر را در بسیاری از کشورها می‌شود مشاهده کرد.

اشاره خانم نجیمی به فتواهای جدیدی است که در برخی از کشورها صادر شده و استثنائاتی بر برخی از قوانین وارد کرده‌اند. از جمله در سال ۱۹۹۱ در عربستان سعودی قانونی صادر شد مبنی بر اینکه سقط جنین در ۱۲۰ روز اول بعد از لقاح، اگر دچار نقص

بهتر شده‌ها در سال‌های گذشته:

نیوزلند



- از ۱۸ مارچ سال ۲۰۲۰ خاتمه دادن داوطلبانه به بارداری در نیمه اول آن، قانونی تلقی می‌شود
- از سال ۱۹۷۷ پایان دادن به بارداری جرم محسوب می‌شد، با تصویب این قانون، سوءپیشینه ثبت شده در پرونده افرادی که به این اتهام مجرم شناخته شده بودند، حذف می‌شود
- پزشکی که مسئولیت پایان دادن به بارداری را برعهده دارد بایستی همه جوانب بهداشتی و درمانی و ضرورت انجام آن را در نظر بگیرد
- در انجام این عمل بایستی تمامی موازین قانونی، حرفه‌ای، اخلاقی سلامتی جسمی و روحی زن، به طور کامل رعایت شود
- قانون جدید هرچند نقایص زیادی اما نسبت به قوانین پیش از آن پیشرفت قابل تاملی کرده است

ایرلند:



- پایان دادن داوطلبانه به بارداری جرم محسوب نمی‌شود
- هیچ اتهامی علیه زنی که بارداری‌اش خاتمه داده با افرادی که در این مسیر به او کمک کرده‌اند وارد نمی‌شود
- دولت هزینه‌های درمانی و نگهداری پس از انجام عمل را برعهده دارد
- هر کسی که اعتراض کرده یا مانع خاتمه‌دادن داوطلبانه به بارداری شود، مورد تعقیب قرار می‌گیرد
- دولت ایرلند از ممانعت گروه‌های محافظه‌کار مذهبی برای اجرای قانون، ابراز نگرانی کرده است

بدتر شده‌ها در سال‌های گذشته:

ایتالیا

- در ایتالیا سقط جنین قانونی است اما تعداد پزشکانی که حاضر به انجام این عمل نیستند روز به روز بیشتر می‌شود



ایالات متحده آمریکا

- پس از ریاست جمهوری دونالد ترامپ، جمهوری‌خواهان که در یازده ایالت آمریکا از اکثریت برخوردارند، عقاید محدودکننده سقط جنین را به طور گسترده مطرح کردند
- در ایالت‌های اوهایو، ایندیانا، آلاباما، تگزاس، جورجیا و فلوریدا قوانین پایان دادن داوطلبانه بارداری سخت‌گیرانه‌تر شده و انجام آن به سختی امکان‌پذیر است



- در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ تنها در شرق آمریکا ۸۳ کلینیک سقط جنین تعطیل شدند

- سال ۲۰۱۶ تعداد پزشکانی که حاضر به انجام عمل پایان دادن به بارداری نیستند، ۵۸ درصد بیشتر از تعداد پزشکان در سال ۲۰۰۵ بوده است
- وزارت بهداشت ایتالیا می‌گوید که بیش از ۷۰ درصد متخصصان زنان و زایمان در این کشور حاضر به انجام دادن عمل سقط جنین نیستند
- پزشکانی که در بیمارستان‌های مذهبی کار می‌کنند اجازه انجام سقط جنین ندارند
- علاوه بر پزشکان، دستیاران اتاق عمل و پزشکان بیهوشی نیز می‌توانند از همراهی در عمل جراحی سر باز زنند
- در یک نمونه از محدودیت‌ها، زنی برای پایان دادن به بارداری خود مجبور شده که به ۲۳ بیمارستان مختلف مراجعه کند و در همه آنها جواب رد شنیده است.

نقش جامعه مدنی فرانسه در تغییر قانون پایان دادن داوطلبانه به بارداری

هیچ کس نمی‌داند اولین بار چطور زنی موفق شد با انتخاب خود از ادامه بارداری‌اش جلوگیری کند، اما در فرهنگ‌های مختلف، تجربیات فراوانی در مورد کمک زنان به یکدیگر برای سقط جنین وجود دارد. تا اواخر قرن نوزدهم زنان قابله در اروپای غربی سقط جنین را بدون ممنوعیت قانونی انجام داده و حتی به زنان دیگر نیز آموزش می‌دادند. تا قرن ۱۹ میلادی هیچ حکومتی قانونی برای ممنوعیت سقط جنین تصویب نکرده بود. بریتانیا در سال ۱۸۰۳ میلادی برای نخستین بار قوانین ضد سقط جنین را تصویب نمود

قوانینی که تا پایان قرن به تدریج سختگیرانه‌تر شد.

فرانسه سال ۱۸۱۰ قانونی را تصویب کرد که براساس آن سقط جنین به «هر دلیلی» جرم محسوب می‌شد. بنا بر ماده ۳۱۷ قانون کیفری، زنی که به بارداری خود خاتمه می‌داد و کسی که این کار را برای او انجام می‌داد می‌توانست به یک تا پنج سال زندان محکوم شود.

با پایان جنگ جهانی اول، به دلیل کاهش جمعیت، سیاست‌های افزایش جمعیت در فرانسه حاکم شد و علاوه بر سخت‌گیری بیشتر بر اجرای قوانین پیشین، تبلیغ روش‌های پیش‌گیری از بارداری نیز ممنوع شد.

سال ۱۹۳۷ دولت فرانسه پافراتر گذاشت و دست به تشکیل بریگاد مبارزه با سقط جنین، که پیش از آن «جرم جنایی» شناخته شده بود، زد.

در سال ۱۹۴۲ [حکومت ویشی](#)^۱ سقط جنین را «جنایت در حق دولت فرانسه» دانست. یک سال بعد زنی را به جرم دست داشتن در چندین سقط جنین در زندانی در پاریس سربیدند. همان سال

بدون اجازه رسمی والدینشان به آن داروها دسترسی داشته باشند.

فرانسه سال ۱۸۱۰ قانونی را تصویب کرد که براساس آن پایان دادن به بارداری به «هر دلیلی» جرم محسوب می‌شد. بنا بر ماده ۳۱۷ قانون کیفری، فردی که بارداری خود را متوقف می‌کرد و کسی که در این فرآیند به او یاری می‌رساند می‌توانست به یک تا پنج سال زندان محکوم شود.



به تدریج فعالیت زنان فرانسوی در مخالفت با قوانین سخت‌گیرانه سقط جنین بالا گرفت. سوده راد، فعال برابری‌طلب و از فعالان حق خاتمه داوطلبانه بارداری در فرانسه می‌گوید در سال‌های بعد، فضای سیاسی و اجتماعی در فرانسه تغییر کرد: «در سال‌های پیش از سال ۱۹۷۵ که بالاخره قانون تغییر کرد، زمینه‌های این تغییر در جامعه فراهم شده بود. در سال ۱۹۷۴ قانونی سن مسئولیت کیفری را به ۱۸ سال رساند و همین بحث‌هایی را در مورد حق مالکیت زنان بر بدنشان مطرح کرد.»

این تغییرات در حالی رخ داده که جامعه زنان فرانسه همواره بسیار فعالانه در مسایل مختلف اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته است به گفته سوده راد مهم‌ترین دست‌آورد زنان فرانسوی برای پیشبرد خواسته‌هایشان، دسترسی به آموزش بوده است: «در می سال ۱۹۶۸ زمانی که انقلابی اجتماعی در جامعه شکل گرفت، جنبش‌های بخش زنان بسیار فعال بود و دارای ساختاری شکل یافته بود. در همین جنبش‌های بخش زنان، یکی از گروه‌هایی که به شدت برای دست‌یافتن زنان به حق خاتمه دادن داوطلبانه به بارداری فعالیت می‌کرد، زنان لژیون بود. در واقع یک همدلی همگانی برای طرح این خواسته وجود داشته است.»

در سال ۱۹۷۱ هفته نامه «نوول اُسرواتور» بیانیه‌ای را با امضای ۳۴۳ زن فرانسوی منتشر کرد که در آن اعتراف کرده بودند دست به سقط جنین زده‌اند. امضاکنندگان شخصیت‌های نامدار ادبی، هنری و فرهنگی بودند. سیمون دوبوار، فرانسواز ساگان، کاترین دنو، ژیزل حلیمی، مارگریت دوراس، با انتشار آن بیانیه خطر پیگرد قضایی را به جان خریدند.

سوده راد می‌گوید که ابزارهایی که در آن دوران برای سقط جنین استفاده می‌شد هنوز نمادهایی برای اعتراض به ممنوعیت خاتمه‌دادن داوطلبانه به بارداری هستند: «هنوز هم در راهپیمایی‌های زنان چوب لباسی فلزی، ساقه جعفری و میل بافتنی به عنوان ابزاری که در پایان دادن داوطلبانه به بارداری بصورت غیربهداشتی و غیرقانونی به کار می‌رود، در دست می‌گیرند. به یاد داشته باشیم که حکم اعدام تا سال ۱۹۸۹ در فرانسه وجود داشت و در چنین شرایطی می‌توان معنای مانیفست ۳۴۳ نفر مبنی بر اعلام علنی ارتکاب به جرم را دریافت.» به گفته سوده راد، این حرکت مدنی زنان اندیشمند در فرانسه بی‌پاسخ نماند و بلافاصله آنها را ۳۴۳ زباله نامیدند.

دو سال بعد بار دیگر هفته نامه «نوول اُسرواتور» مانیفستی را منتشر کرد که این بار ۳۳۱ پزشک به انجام دادن عمل سقط جنین اعتراف کرده بودند. در همان سال انجمنی با نام «جنبش برای آزادی سقط جنین و جلوگیری از بارداری» تشکیل شد.

1. <https://bit.ly/395Rp6x>

